



# انترناسیونال ۴۶۸

اساس سوسیالیسم  
انسان است.  
سوسیالیسم جنبش  
بازگرداندن



منصور حکمت [www.m-hekmat.com](http://www.m-hekmat.com)

حزب کمونیست کارگری ایران  
Worker-communist Party of Iran

جمعه ۱۰ شهریور ۱۳۹۱، ۳۱ آگوست ۲۰۱۲ - ۱۴ صفحه

## سیرک غیر متعهدا در تهران



بهروز مهرآبادی

می آورند و شنیدن جنجال دکه دارانی که برای فروش اجناس بنجل خود معرکه می گیرند، شاید برای دقایقی توجه خیلی را جلب کند. اما برای کسانی که خود مدام در هراس حمله این جانوران بسر می برند و زخمهای آنها را بر تن و پیکر خود دارند، برای مردمی بخاطر يك زلزله با شدت متوسط جان عزیزان و تمام هستی شان برباد رفته و می دانند که نیمی از هزینه برگزاری این سیرک تکافوی ساخت خانه و مدرسه و بیمارستان برایشان می کند، مشاهده صحنه های این سیرک نه تنها کسالت آور که چندش آور و کریه است.

سیرک بزرگی که از چندین ماه قبل برای آن تدارک دیده شده بود، از صبح پنجشنبه ۹ شهریور در تهران آغاز شد. برای برگزاری این سیرک از چندین ماه قبل تبلیغ شد، چندین هفته برگزاری آن موضوع اصلی رسانه های جمهوری اسلامی بود و برای تدارک آن صدها میلیارد تومان خرج شد. تصاویر درنده ترین جانور شرکت کننده در این سیرک از فرودگاه تا محل برگزاری آن نصب شد و در و دیوار شهر از تصاویر و تبلیغات برای این نمایش، پوشانده شد. ولی تماشای درندگان ماقبل تاریخ که با هم تعارفات دیپلماتیک رد و بدل می کنند و گاهی چنگال ها و نیش های خود را به یکدیگر نشان می دهند، دیدن دلک های می که در اطراف آنها معلق می زنند و شکلک های احمقانه از خود در

ادامه صفحه ۱۳

## جاماندگان از تاریخ

نقدی بر پلاتفرم مشترک حزب دمکرات کردستان ایران و سازمان زحمتکشان

حمید تقوایی

صفحه ۲

## در مورد کشتار معدنچیان آفریقای جنوبی

گفتگو با شهلا دانشفر

صفحه ۸

## شورش مردم علیه طالبان در افغانستان

کاظم نیکخواه

صفحه ۹

## اطلاعیه تشکیل کمیته آذربایجان حزب کمونیست کارگری ایران

ادامه صفحه ۱۶

### بازتاب هفته

تصاویر سوریه در هفته ای که گذشت!

محمد شکوهی

کارگران معدن در آفریقای جنوبی، از پشت سر مورد

اصابت گلوله پلیس قرار گرفته و کشته شدند!

فاضل نادری

از زلزله آذربایجان تا هزینه صدها میلیاردتومانی

برای اجلاس تهران!

محمد شکوهی

صفحات ۵-۷

### صفحات دیگر

عروسانی که باید عروسک بازی کنند

سهیلا شریفی

چرا مردم در کم رسائی زلزله زدهگان به

جمهوری اسلامی اعتماد ندارند؟

مهراب دشتی

تلاش برای نجات جان یک انسان، نیلا

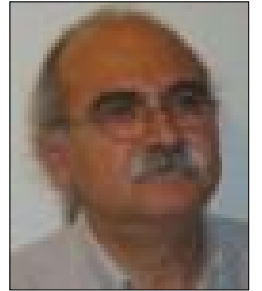
ابراهیم عیسی زن محکوم به سنگسار

در سودان

# آزادی، برابری، حکومت کارگری!

## جاماندگان از تاریخ

### نقدی بر پلاتفرم مشترک حزب دمکرات کردستان ایران و سازمان زحمتکشان



حمید تقوایی

بیانیه مشترکی که اخیراً از طرف حزب دموکرات کردستان و سازمان زحمتکشان منتشر شده ادامه تقلاهای ناسیونالیسم کرد برای کسب جایگاهی در سناریوهای رژیم چنجهی غرب است. این تقلاها از همان دوران جنگ خلیج، اولین حمله آمریکا و نیروهای ناتو به عراق در سال ۱۹۹۱، آغاز شد؛ تحولی که نیروهای ناسیونالیست کرد در عراق را به جلو صحنه و در نهایت به قدرت منطقه ای رساند و تکرار سناریوی مشابهی در ایران را به رویای سیاسی نیروها ناسیونالیست کرد تبدیل کرد. اما دوره این نوع رویا بافی ها، نه تنها برای ناسیونالیسم کرد بلکه برای همه احزاب راستی که به قدرت و نفوذ دولتهای غربی در شکل دادن به تحولات در جهان و بویژه در خاورمیانه امید بسته بودند، دیگر تماماً به سر رسیده است. به اما مزاده ای که چاه معجزاتش خشک شده، نمیتوان دخیل بست. امروز دیگر نه میلیتاریسم نشوکانی و سناریوهای رژیم چنجهی اش بلکه قدرت انقلابی توده های مردم است که مهر خود را به تحولات میکوبد. و همین واقعیت این نوع تقلاهای نیروهای ملی - قومی که در دوره بعد از دیوار برلین میدانی برای مانور پیدا کرده بودند را بیش از پیش به یک

کمدی - درام دون کیشوتی تبدیل میکند.

از مقطع فروپاشی شوروی تا انقلاب تونس دنیا میدان یکه تازی سیاهترین نیروهای ارتجاعی بود. میلیتاریسم نئوکسنرواتیستی غرب، نیروهای اسلام سیاسی و جریانات ملی - قومی - مذهبی که تراژدی جنگ یوگسلاوی و نسل کشیهای قبیلله ای در آفریقا را آفریدند، بازیگران اصلی این دوران سیاه بودند. بعد از یازده سپتامبر دنیا و مشخصاً خاورمیانه به صحنه جنگ دو قطب تروریستی تبدیل شد. در این شرایط جریانات ناسیونالیست و نیروهای سنتی ملی - قومی میدان تازه ای برای عرض اندام پیدا کردند. در این میان بخصوص نیروهای ناسیونالیست کرد در ایران و در کل منطقه، بخاطر قدرتگیری احزاب ناسیونالیست کرد در عراق، موقعیت کاملاً ویژه ای پیدا کردند. نیروهای سنتی نظیر حزب دمکرات الگوی برادران عراقیشان را راهنمای سیاستهایشان قرار دادند و نیروهای تازه ای نظیر سازمان زحمتکشان عبدالله مهتدی بر متن این شرایط شکل گرفتند. کل موجودیت سازمان زحمتکشان در واقع ثمره میداندار شدن راست ترین سیاستها و تعصبات ناسیونالیستی و قومگرایانه در دوره پس از شوروی است. حزب دموکرات نماینده سنتی ناسیونالیسم کرد است و حزب زحمتکشان نماینده مدل پسا جنگ سردی آن. امروز به یمن انقلابات دوره میداندارای این نوع نیروهای قومی - ملی - مذهبی به سر رسیده است. پلاتفرم مشترک در واقع تلاشی برای تداوم این سیاستهای به آخر

خط رسیده بر متن شرایط تازه است.

#### ناسیونالیسم در منگنه انقلاب

انقلاب تونس و بدنبال آن موج انقلاباتی که به "بهار عرب" معروف شد و هنوز نیز ادامه دارد، نقطه عطف مهمی در وضعیت سیاسی دنیا و بویژه خاورمیانه محسوب میشود. مردمی که در جنگ میان دو قطب تروریستی میلیتاریسم دول غربی و اسلام سیاسی به ناظرین متحیر و قربانیان دست و پا بسته تنزل یافته بودند قد راست کرده و انقلاب و قدرت توده های محروم را به گفتمان اصلی سیاست دنیا تبدیل کردند. در غرب نیز با الهام از انقلابات "نان و کرامت" و در پاسخ به بیکاری و بی تامينی و سیاست ریاضت کشی اقتصادی که زندگی را بر نود و نه درصد جامعه تباہ کرده است، جنبش ضد سرمایه داری شکل گرفت که فضای سیاسی را در کل به نفع چپ و خواستههای رادیکال و انسانی و برابر طلبانه چپ تغییر داد. در غرب و شرق قطب جهان متمدن، قطب سوم، به قطب اول تبدیل شد، میلیتاریسم نئوکسنرواتیستی - در موضعی ضعیف و کاملاً تدافعی قرار گرفت و اسلام سیاسی و نیروهای ملی - قومی - مذهبی به حاشیه رانده شدند. با سقوط مبارک بقول کیسینجر "دیوار برلین غرب فرو ریخت" و کل جبهه ارتجاع، از دولتهای غربی تا جنبش اسلام سیاسی و نیروهای ملی - قومی - مذهبی منطقه ای، ناگزیر شد در عکس العمل به انقلابات و جنبشهای انقلابی که کل مناسبات و توازن سیاسی قبلی را بهم ریخته بود در تاکتیکها و

سیاستهای عملی خود تجدید نظر کند. او با ما "در طرف درست تاریخ" قرار گرفت و تعرض هژمونی طلبانه دولت آمریکا برای تبدیل شدن به آقای دنیای بعد از جنگ سرد جای خود را به سیاست تدافعی تلاش برای کنترل انقلابات و به حداقل رساندن "خسارت" ناشی از انقلابات سپرد. عبدالجلیل ها و طنطاوی ها و موری ها از محصولات این سیاست تازه هستند. پلاتفرم مشترک در واقع اعلام آمادگی امضا کنندگانش برای ایفای نقش و برسمیت شناخته شدن در این لیگ تازه است. اما اگر برای دولتهای غربی این نوع تقابل با انقلاب و نیروهای انقلابی امری طبیعی و عادی تلقی میشود برای نیروهای اپوزیسیونی که دم از مردم و آزادی میزنند، آنهم در فضای سیاسی چپ و رادیکالی مانند شرایط ایران، این نوع تقلاها نمیتواند به چیزی بیشتر از رسوائی و انزوای عاملینش در جامعه و در نزد توده مردم منجر بشود.

#### پلاتفرمی در مقابل انقلاب

مضمون پلاتفرم مشترک بروشنی تقابل آن با انقلاب و خواستههای انقلابی مردم را نشان میدهد. روح و جوهر و اساس این سند هویت ملی، دموکراسی خواهی، صندوق رای و فدرالیسم ملی - جغرافیائی است. این ملقمه شاید در دوره جنگ تروریستها محلی از اعراب داشت اما برای دوره انقلابات "نان، آزادی، کرامت انسانی" کاربردی ندارد. انقلابات و جنبشهای انقلابی حاضر در شرق و غرب نه تنها به دموکراسی بازار آزاد، دموکراسی ای که ریزش دیوار برلین را بحساب پیروزی خود

گذاشت و بمب بر سر مردم عراق و افغانستان فرو ریخت، ربطی ندارد بلکه تماماً در برابر این دموکراسی، با پارلمان و انتخابات و دیگر ملحقاتش، قرار میگردد. "دموکراسی خواهی" خصلت نمای خواست امروز مردم نیست. نه مردمی که در غرب اعلام کردند رویای ما از صندوق رای بیرون نیاید و نه مردمی که حماسه التحریر را آفریدند خواستههای انسانیشان با دموکراسی مدل بوش و او با ما عملی نخواهد شد. احزابی که در چنین شرایطی همچنان تلاش میکنند به حرکت مردم مهر دموکراسی خواهی بکوبند بیرق يك درصدیها را بلند کرده اند و نه پرچم توده مردم شریف و آزادیخواه را. سند حتی آنجا که از آزادیهای سیاسی برای کارگران و زنان و دانشجویان و غیره دم زده است خود را به "حمایت قانونی" از آنان متعهد دانسته است. یعنی اگر قانون صداها را خفه کرد ناسیونالیستهای دموکراسی پناه ما طرف قانون را خواهند گرفت و نه مردم را. به این معنی البته همه حتی جمهوری اسلامی هم آزادیخواه است!

نکته مهمتر اینکه کارنامه عملی ناسیونالیسم کرد در ایران و در عراق که مدتی است کاربردست شده است، مشحون از نفی و سلب ابتدائی ترین آزادیها است. تا آنجا که توانسته اند در اپوزیسیون و پوزیسیون تحت عنوان احترام به فرهنگ توده ها و ارزشها و سنن ملی جلوی ابراز عقاید چپ و مترقی و آزادیخواهانه را گرفته اند و حتی در این راه، مانند مورد درگیری نظامی با حزب کمونیست ایران، دست به اسلحه برده اند.

## جاماندگان از تاریخ

از صفحه ۲

در مقابل جنبش سکولاریستی و ضد مذهبی مردم نظیر جنبشی که حول فتوای قتل شاهین نجفی پا گرفت قرار میگیرد.

## شان نزول سرنگونی طلبی

در بند دیگری از پلاتفرم که بنا به مقتضیات امروز نوشته شده از نوعی تمایل به سرنگونی جمهوری اسلامی صحبت شده است. نیروها و احزاب ناسیونالیست کرد در ایران همیشه تلاش داشته اند خواستها و "مطالبات ملی" خودشان را از طریق مظاهرات و سازش و تعامل با حکومت مرکزی و تنظیم مناسبات با جمهوری اسلامی به پیش ببرند. از همین رو ناسیونالیسم کرد کلا در تمام دوره حکومت اسلامی در جبهه نیروهای "اصلاح طلب" قرار می گرفت. حزب دمکرات خود را جزئی از جنبش دوحرداد میدانست و عبدالله مهدی و سازمانش هم عضو افتخاری جنبش سبز و دار و دسته موسوی و کروی بودند.

این سیاست، بخصوص بعد از جنگ عراق، کاملاً با نوسانات در رابطه میان آمریکا و دول غربی با جمهوری اسلامی خود را منطبق می کرد. امروز که آمریکا و متحدینش تحت فشار انقلابات به رفتن دیکتاتورهای رضایت داده اند و بدنال آترناتیو سازی مطلوب خود هستند، استحالته چپهای سر به غرب نیز با علم سرنگونی به این میدان وارد میشوند. شیوه طرح سرنگونی در پلاتفرم بخوبی نمایانگر علت واقعی این تغییر ریل است. اعلام میشود که "موج تغییر و دمکراسی خواهی" در منطقه دیکتاتوری ها را فرو می پاشد و

جمهوری اسلامی هم همین سرنوشت را خواهد داشت. و در این شرایط "اپوزیسیون ایرانی، ... پس از ظهور و افول جنبش سبز در ایران، دور تازه ای از گفتگو و نشست مشترک و فعالیت را آغاز نموده اند. در این میان، ... نوعی تلاش برای تشکیل جبهه دمکراسی خواهی با شعار تغییر رژیم در مقایسه با گذشته مقبولیت بیشتری یافته است".

عبارت دیگر میگویند در نزد ما همپیمانان سبزه ها و دوحردادها بعد از افول جنبشمان شعار تغییر رژیم بیشتر مقبولیت پیدا کرده، علت هم البته "موج تغییر و دمکراسی خواهی" است و نه انقلابات توده ای برای "نان و آزادی و کرامت انسانی"! این رجوع به انقلابات با زبان اوباما و کلینتون و سرکوزی در واقع تمام شان نزول این نوع سرنگونی طلبی را برملا میکند. هر چه باشد امروز در نزد استراتژیستهای غربی هم تغییر رژیم در ایران تحت فشار انقلابات منطقه "مقبولیت بیشتری" پیدا کرده است. میخواهند در دل دوست به هر حيله رهی پیدا کنند. همانطور که علت و انگیزه نشستها و گفتگوهای نافرجامشان در کنفرانس رسوای اولاف پالمه و واشنگتن نیز چیزی بجز جلب توجه غرب نبود. دارند آمادگی خود را برای راه یافتن به جبهه دمکراسی پناهان مطلوب غرب و سربریدن انقلابات با پنبه دمکراسی و صندوق رای اعلام میکنند. زمانی که صحبت از حمله نظامی و بحران آفرینی در مرزها در میان بود برای سهم بردن از بودجه و تسلیحات اهدائی غرب در برابر سنای آمریکا صف میکشیدند و امروز بهمراه اوباما به "طرف درست تاریخ" نقل مکان

کرده اند. زمانه عوض شده اما هدف و استراتژی همانست که بود.

## فدرالیسم، نسخه ای برای دامن زدن به تفرقه ملی

ناسیونالیستهای خود را کلید دار و متخصص حل مساله کرد و رفع ستم ملی میدانند. تکیه کلام و نقطه رجوع همه سیاستها و گفتمانها و مطالباتشان جنبش ملی کرد و خلق کرد و حقوق ملت کرد و غیره است. اما واقعیت اینست که ناسیونالیستها نه میخواهند و نه میتوانند ستم و تبعیض و مساله ملی را حل کنند. ناسیونالیسم همواره در تمام طول تاریخ، و در چند دهه اخیر در دوره سیاه بعد از جنگ سرد و امروز در برابر انقلابات و جنبشهای انسانی و ضد کاپیتالیستی در غرب و شرق، بعنوان يك افق و گرایش و سیاست نافذ هويت جهانشمول انسانها عمل کرده است. اتکا به هويت ملی خود در واقع پایه و مبنای تشییت و نهادینه کردن تمایزات و تبعیضات میان توده مردم بر اساس زبان و زادگاه و ملیت و قومیت است. البته بورژوازی کرد، مانند طبقه سرمایه دار همه ملیتها، به این نوع تمایزات برای پاسداری از بازار کار و کالای ملی خودش نیازمند است اما برای توده مردم، برای نود و نه درصد جامعه که هیچ نوع منفعتی در این هويت سازيها و هويت تراشيهاي ملی - قومی - نژادی - مذهبی ندارند نسخه های ناسیونالیستی نه تنها راه حل ستم و تبعیضات ملی مبتلابه توده مردم نیست بلکه عامل تشدید و تثبیت آن است. خود مختاری که قبلاً خواست حزب دمکرات بود با مطالبه حقوق ویژه برای "ملت

کرد" به دیوار بین کرد و غیر کرد رسمیت قانونی میداد و آنرا نهادینه میکرد. فدرالیسم ملی - جغرافیائی که شعار امروز این حزب و سازمان زحمتکشان است و يك بند محوری پلاتفرم مشترك را تشکیل میدهد، نیز عیناً همین نقش را دارد. فدرالیسم ملی - جغرافیائی نسخه ای برای تقسیمبندی و عملاً تفرقه افکنی میان مردم ساکن ایران در فدرالها با نوعی خودمختاری و حقوق ویژه استانی است. قرار است مردم "ملل ساکن ایران" هر يك اقلیم و حقوق ویژه خودشان را داشته باشند و این عملاً بجز باد زدن به تمایزات و بجان هم انداختن مردم بر مبنای تاریخ و پیشینه و فرهنگ و قومیت و افتخارات ویژه ملی ای که برای هر يك ساخته اند معنای دیگر نخواهد داشت. در همان قدم اول جدال و تخاصم بر سر مرزهای هر فدرال آغاز خواهد شد. فدرالیسم بر اساس ملیت حتی اگر بشود مرزهای فدرالها را بدون خون ریزی تعیین کرد، به تمایز و تفرقه ملی میان مردم قانونیت و رسمیت خواهد داد.

طرفداران فدرالیسم معمولاً به کشورهای مثل آلمان فدرال و ایالات متحده بعنوان نمونه های موفق فدرالیسم رجوع میکنند اما این قیاسی کاملاً مع الفارق است. مساله بر عکس است. اگر برای کشورهایی مانند ایالات متحده و آلمان فدرالیسم نسخه ای برای گردآوری و اتحاد مردم در چارچوب يك کشور واحد بود این نسخه در مورد ایران که فی الحال کشور واحدی است تنها میتواند بعنوان عامل تفرقه و از هم پاشیدن عمل کند. این عملاً نسخه ای برای یوگسلاویزه کردن ایران است و نه متحد و

ادامه صفحه ۴

# نه قومی نه مذهبی حکومت انسانی!

## جاماندگان از تاریخ

از صفحه ۳

دموکراتیزه کردن آن.

فدرالیسم در واقع فرمولی است که ناسیونالیسم کرد در برابر شوونیسم فارس و برای رفع اتهام تجزیه طلبی به آن پناه برده است. این در واقع بسط خودمختاری خواهی سنتی احزاب ناسیونالیست کرد به همه "ملل متشکله ایران" طبق مد روز دنیای پسا جنگ سرد است. این فدرالیسم نوع نسبییت فرهنگی و مالتی کالچریلیستی است. دیدگاه راست و ارتجاعی ای که بجای مدنیت و جوامع مدنی، جوامع موزائیکی متشکل از نژادها و اقوام و مذاهب مختلف، و بجای آزادی و اعمال اراده توده مردم در سرنوشت سیاسی خود، حکومت‌های متشکل از سران اقوام و مذاهب و عشایر را نشانده است. در برابر این افق و سیاست ارتجاعی توده مردم در ایران و در همه جای دنیا، همانطور که در انقلابات منطقه و در جنبش ضد کاپیتالیستی نود و نه درصیدها بروشنی نشان داده اند، خواستار جوامع و نظام سیاسی بری از هر نوع تمایز ملی و قومی و مذهبی و نژادی و بر مبنای برسمیت شناسی حقوق برابر و انسانی همه شهروندان هستند. مردم انقلابی دنیا خواهان فراتر رفتن از جوامع مدنی به جوامعی انسانی هستند و نیروهای مثل نئوکانها، اسلاميون و ناسیونالیست‌های کرد خواهان عقب نشستن از جوامع مدنی به جوامع موزائیکی ملی- قومی- مذهبی.

### راه حل انسانی ستم ملی

ما کمونیست‌ها همواره بر راه حل ستم و تبعیض ملی از طریق برسمیت شناسی حقوق برابر برای همه شهروندان و اعمال اراده و دخالت مستقیم مردم در سرنوشت سیاسی خود، فارغ و بدور از

هویت‌های ملی و مذهبی ای که برای آنان تراشیده اند، تاکید کرده ایم و انقلابات اخیر بروشنی نشان داد که توده مردم نیز همین را میخواهند. برای کارگران و توده نود و نه در صدی مردم که منفعتی در اقلیم و بازار کار و سرمایه "خودی" ندارند رفع ستم ملی تنها با نفی هویت سازیها و تفرقه افکنیهای ملی و قومی و از طریق برسمیت شناسی حقوق برابر برای همه شهروندان ممکن است. همه شهروندان مستقل از مذهب و قومیت و ملیتی که به آنان نسبت داده شده است، باید بتوانند بزبان مادری خود حرف بزنند و تحصیل کنند، فعالیت فرهنگی و ادبی و هنری و آداب و رسوم خود را داشته باشند و در تمام زمینه های سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی مستقل از ملیت یا احساس تعلق ملی خود، از حقوق یکسانی برخوردار باشند. راه حل ستم ملی درست در نقطه مقابل نسخه های ناسیونالیستی نه تاکید بر هویت ملی- قومی بلکه تاکید بر حقوق انسانی و جهانشمول همه مردم بعنوان شهروندان متساوی الحقوق در جامعه است.

حزب کمونیست کارگری خواهان همزیستی همه مردم ساکن ایران در جامعه ای است که حقوق برابر همه شهروندان را برسمیت میشناسد. در عین حال ما در برنامه يك دنیای بهتراعلام کرده ایم "در مواردی که پیشینه ستم ملی و تخاصمات میان مردم منتسب به ملیت های مختلف همزیستی میان آنها را در چهارچوب های کشوری موجود دشوار و مشقت بار ساخته باشد، حزب کمونیست کارگری حق جدایی ملل تحت ستم و تشکیل دولت مستقل از طریق مراجعه مستقیم به آراء خود آن مردم را، به رسمیت میشناسد."

مشخصا در مورد کردستان برنامه يك دنیای بهتر حق جدایی را برسمیت شناخته است: "نظر به سابقه طولانی ستم ملی بر مردم کرد در همه کشورهای منطقه و سرکوب خونین خواست های حق طلبانه و جنبش های اعتراضی و خودمختاری طلبانه در کردستان ایران در رژیم های سلطنتی و اسلامی، حزب کمونیست کارگری بعنوان يك اصل، حق جدایی از ایران و تشکیل دولت مستقل از طریق يك پروسه انتخاب آزاد و عمومی را برای مردم کردستان به رسمیت میشناسد و هر نوع اقدام قهرآمیز و نظامی برای جلوگیری از این انتخاب آزادانه را قویا محکوم میکند. حزب کمونیست کارگری خواهان حل فوری مساله کرد در ایران از طریق برگزاری يك فرآندم آزاد در مناطق کردنشین غرب ایران، زیر نظارت مراجع رسمی بین المللی است. این فرآندم باید با خروج نیروهای نظامی دولت مرکزی و تضمین يك دوره فعالیت آزادانه کلیه احزاب سیاسی در کردستان به منظور آشنا کردن توده مردم با برنامه و سیاست و نظرشان در فرآندم، انجام شود .

حزب کمونیست کارگری در هر مقطع تنها در صورتی به جدایی کردستان راي موافق میدهد که قویا محتمل باشد چنین مسیری کارگران و زحمتکشان در کردستان را از حقوق مدنی پیشروتر و موقعیت اقتصادی و مناسبات اجتماعی برابرتر و ایمن تری برخوردار خواهد ساخت."

در شرایط حاضر چنین احتمالی بسیار ضعیف است. به نظر ما در شرایط حاضر رفع ستم ملی و آزادی و رهانی مردم ساکن کردستان در چارچوب يك جمهوری سوسیالیستی در ایران راه حل محتمل تر و امکان پذیرتری است. اما در هر صورت و مستقل از اینکه موضع حزب در قبال

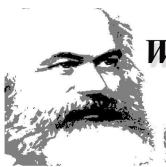
مساله ملی در کردستان چه باشد در صورتیکه مردم کردستان در يك فرآندم آزاد به جدایی رای بدهند، همانطور که در برنامه حزب تصریح شده، حزب ما آنرا برسمیت خواهد شناخت. این تنها راه حل پیشرو، مترقی و انسانی و در عین حال واقعی و عملی و امکانپذیر برای مساله ملی در کردستان و رفع تبعیض و ستم ملی برای همه مردم منتسب به ملیتهای مختلف در ایران است. خودمختاری و در ورژن پست مدرنیستی آن "فدرالیسم ملی- جغرافیائی" را باید به همراه خود پست مدرنیسم به تاریخ سپرد و همراه توده مردم معترض و پیا خاسته در شرق و غرب خواهان آزادی و برابری همه شهروندان در تمامی سطوح و اعمال اراده و دخالت مستقیم توده مردم در سرنوشت سیاسی خویش در همه کشورها و برای همه ملیت ها شد.

### جاماندگان از تاریخ

وقتی مضمون پلاتفرم مشترک را بر متن شرایط سیاسی مشخصی که شان نزول آنرا تشکیل میدهد، قرا دهید متوجه میشوید که این بیانیه جاماندگان از تاریخ است. نویسندگان خواسته اند بنا به شرایط سیاسی کاملا تغییر یافته تحت تاثیر انقلابات دو سه سال اخیر جایی برای خود در کنار اوباما و در طرف درست تاریخ دست و پا کنند اما همچنان مانند خود دول فخیمه ای که به آنان دخیل بسته اند در طرف غلط تاریخ دست و پا میزنند. دوره علم کردن هویت ملی و فدرالیسم و

دموکراسی پناهی و سکولاریسم نوع کزای و عبدالکریم سروش تماما به سر رسیده است. آلترناتیوهای نوع طنطاوی و موری و عبدالجلیل هم آینده ای ندارند. اینان حتی اگر در کشور خودشان بتوانند تثبیت بشوند- که همه چیز نشان میدهد بسیار بعید است- در ایران محلی از اعراب نخواهند داشت.

در ایران قدرت چپ و کمونیسم و نفوذ اجتماعی خواستهای انسانی که کمونیسم پرچمدار آنست، بیش از آنست که این نوع آلترناتیو سازیها از بالا شانس چندانی داشته باشند. به بن بست رسیدن خط استحاله و تغییرات تدریجی و اصلاح طلبی نوع خاتمی و موسوی، که خط و جهت گیری دیرینه احزاب ناسیونالیست کرد نیز بوده است، خود یکی از نتایج سترونی و بیحاصلی آلترناتیوهای راست و از بالا سر هم بندی شده در شرایط سیاسی ایران است. بویژه امروز بدنبال تجربه عظیم انقلابات منطقه مردم ایران بیش از پیش بر اهمیت تعیین کننده خواستها و مطالبات جهانشمول و انقلابی و انسانی خود، اتکا بقدرت خویش و اعمال اراده مستقیم در بدست گرفتن سرنوشت سیاسی خویش و مقابله پیگیر با آلترناتیو سازیهای ملی- قومی- مذهبی پی میبرند. کمونیسم کارگری اجازه نمیدهد این درسهای گرانهای انقلابات منطقه در اذهان عمومی بفراموشی سپرده شود و نیروهای ملی- قومی- مذهبی میدانی برای عرض اندام پیدا کنند.\*



**WE STILL NEED MARX  
TO CHANGE THE WORLD**

حزب کمونیست کارگری ایران  
Worker-Communist Party of Iran  
www.wpiiran.org

... دنیا بدون فراخوان سوسیالیسم، بدون امید سوسیالیسم و بدون "خطر" سوسیالیسم به چه منجلابی بدل میشود!



## بازتاب هفته تحولات سوریه در هفته ای که گذشت!



محمد شکوهی

اسد فقط بر دمشق تسلط دارد و بقیه نقاط کشور از کنترلش خارج شده است. همزمان باین وضعیت رژیم، روز چهارشنبه یک بار دیگر اسد در تلویزیون دولتی اش ظاهر شد و اعلام کرد که "عملیات پاکسازی سوریه ادامه داشته و شاید ماهها طول بکشد". ادامه جنگ و آواره شدن نزدیک به یک میلیون نفر از مردم، اوضاع زیستی و معیشتی و بهداشتی این جمعیت را وخیم تر کرده است. سازمانهای امداد رسانی اعلام خطر کرده اند که در صورت ادامه این وضعیت، سوریه با یک فاجعه انسانی روبرو خواهد گشت. تمام تلاش ها و تقلاهای سازمان ملل و طرف های درگیر برای پایان دادن به درگیریها عملا شکست خورده است. رژیم اسد ظاهرا مصمم است علیرغم وضعیت فریادناز که دچار آن شده، برای ماندن در قدرت به سرکوب و بمباران مردم ادامه دهد.

### اسد بدون حمایت جمهوری اسلامی و روسیه نمی تواند بر قدرت بماند!

موضوع حمایت های نظامی روسیه به همراه کمک های همه جانبه جمهوری اسلامی به رژیم اسد بر کسی پوشیده نیست. جمهوری اسلامی ماهها است که برای بقای رژیم اسد وارد جنگ با مردم سوریه شده است. هر روز اخبار و گزارشات گوناگونی در مورد حمایت های جمهوری اسلامی از رژیم اسد، به جهان مخابره می شود. اما در این هفته در کنار حمایت های گسترده نظامی و مالی جمهوری اسلامی از رژیم اسد، "تقلاها و تلاش های

دیپلماتیک جمهوری اسلامی" نیز افزایش یافته است. جمهوری اسلامی تلاش های وسیعی را برای گنجاندن موضوع حمایت از رژیم اسد در دستور اجلاس "غیر متعهد ها" آغاز کرده است. در طول این مدت چندین هیات بلند پایه رژیم به دیدار با اسد رفته و به وی قول جلب حمایت و طرح موضوع "حل بحران سوریه" در این اجلاس - طبقا از زاویه منافع و سیاست های منطقه ای جمهوری اسلامی و اسد - را داده اند. تمام دستگاه دیپلماتی جمهوری اسلامی روی موضوع حمایت از رژیم اسد خم شده و فعالیت های گسترده ای را در این مورد آغاز کرده اند. در این هفته همزمان با اعلام سفر دبیر کل سازمان ملل به تهران و شرکت در کنفرانس غیرمتعهدها، تلاش های جمهوری اسلامی برای جلب حمایت کشورهای شرکت کننده از گنجاندن موضوع "بحران سوریه" در دستور جلسه و بحث و بررسی راه های پایان دادن به این موضوع، ابعاد رسمی تری به خود گرفته است. در دو روز اول نشست مقدماتی این سازمان، موضوع سوریه بررسی شد و اعلام گردید که موضوع سوریه در کنفرانس بحث خواهد شد. بعد از ظهر روز چهارشنبه ۲۹ اوت بانکی مون که در تهران بسر میبرد به دیدار خامنه ای رفت. خامنه ای در این دیدار رسما اعلام کرد "شرط حل بحران سوریه جلوگیری از ارسال سلاح به گروه های بی مسئولیت است!" و از مون خواست که جلوی دخالت های خارجی در سوریه را بگیرد. همزمان با این سخنان خامنه ای، صالحی وزیر خارجه رژیم که در مقام رئیس سازمان غیرمتعهدها صحبت می کرد، یکبار دیگر بر ضرورت بحث در مورد سوریه تاکید کرد و ابراز امیدواری کرد که این موضوع در دستور جلسه گنجانده شود. جمهوری اسلامی فکر می کند با طرح موضوع سوریه در کنفرانس، البته از موضع دفاع از رژیم اسد،

بتواند در میان اعضای شرکت کننده در این نشست برای سیاست های حمایتی اش از رژیم اسد، "مشروعیتی" دست و پا کرده و بدین ترتیب برای رژیم اسد اعتماد به نفس بیشتری در سرکوب مردم دست و پا نماید. اما به اعتراف بعضی باند های حکومتی ترکیب شرکت کنندگان در این نشست، به زیان سیاست های خامنه ای است. اکثر کشورهای شرکت کننده در این اجلاس در کمپ مخالف سیاست های جهانی و منطقه ای جمهوری اسلامی قرار داشته و بیشتر متمایل به سیاست های آمریکا و غرب در مورد سوریه می باشند. همه کشورهای عربی، آفریقایی و آسیایی در این کمپ قرار دارند و در صورت طرح موضوع سوریه از زاویه منافع جمهوری اسلامی در این کنفرانس، احتمال ابراز مخالفت های گسترده کمپ هوادار سیاست های آمریکا و غرب بر علیه این سیاست های جمهوری اسلامی بسیار زیاد است. در نتیجه احتمال تصویب بیانیه و یا قطعنامه ای در حمایت از رژیم اسد در راستای سیاست های تائکونونی جمهوری اسلامی، تقریبا صفر می باشد. علاوه بر این علیرغم اینکه چین و روسیه جزو غیرمتعهدها نیستند ولی همیشه سیاست حمایتی از این بلوک را داشتند، اما اعلام کرده اند در این نشست شرکت نخواهند کرد. کشورهای مهم منطقه عربستان، ترکیه، پاکستان، هند، همگی در کمپ مخالفان سیاست های حمایتی جمهوری اسلامی از رژیم اسد قرار داشته و تلاش خواهند کرد که جلوی تحرکات جمهوری اسلامی را در این نشست بگیرند. اما با وجود اینکه هیچ آمیدی برای به نتیجه رسیدن مباحث مورد نظر جمهوری اسلامی در حمایت از رژیم اسد وجود ندارد، رژیم ایران به تقلاهایش ادامه میدهد. نشست غیر متعهدها در تهران صحنه رویارویی مخالفان سیاست های

### کنفرانس برلین برای سوریه: آلمان و اپوزیسیون سوریه!

در این هفته کنفرانسی با شرکت گروه های مخالف رژیم اسد و برای ترسیم دوران بعد از اسد به میزبانی دولت آلمان در برلین برگزار گردید. به گفته مقامات وزارت خارجه آلمان، دولت این کشور به همراه نیروهای مخالف رژیم اسد و با حمایت آمریکا، از ماهها پیش کار تدارک این کنفرانس را آغاز کرده بودند. کنفرانس مذکور آخر هفته گذشته در برلین برگزار گردید. این کنفرانس "سند دوران بعد از اسد" را تصویب کرد. خانم آفرا جلیبی که به عنوان سخنگوی این کنفرانس با رسانه های آلمانی سخن می گفت، تاکید کرد که شرط اول عملی شدن مفاد سند تصویب شده، سرنگونی رژیم اسد و تلاش "جامعه جهانی" برای شکل دادن به "ساختارهای دموکراتیک" در دوران بعد از اسد می باشد. قبلا نیز کنفرانس هایی با شرکت "اپوزیسیون سوریه" در استانبول و پاریس برگزار شده بود، که در نتیجه اختلاف نظر های شرکت کنندگان عملا، شکست خوردند. کنفرانس برلین برای سوریه بنا بر ادعای دولت آلمان، فرانسه، آمریکا و نیروهای مخالف رژیم اسد، از هر نظر کنفرانسی "متفاوت" بوده و امیدواری برگزار کنندگان آن برای رسیدن به اهداف

سوریه هفته خونین دیگری را پشت سر گذاشت. از روز شنبه هفته گذشته تا روز چهارشنبه ۲۹ اوت بیش از ۱۲۰۰ نفر در جریان بمبارانهای وحشیانه رژیم اسد در شهرهای دمشق، حمص، دیرالزور، لاذقیه، حلب و دوما کشته شده اند. در جنایت دیگری ارتش سوریه دست به قتل عامی وحشتناک در شهر داریا از شهرک های منطقه اطراف دمشق زده و بیش از ۲۰۰ نفر را کشت. همزمان با گلوله بارانهای شبانه روزی شهرهای نامبرده، جنگ های زمینی بین مخالفان و ارتش بر سر بازپس گیری شهرهایی که در دست مخالفان است، با شدت ادامه دارد. در همین هفته سازمان ملل اعلام کرد که در نتیجه ادامه جنگ و سرکوبها در سوریه روزانه بیش از ۴ هزار نفر از سوریه فرار می کنند. بر اساس آخرین گزارشات سازمان ملل ۲۰۰ هزار سوری به ترکیه و بیش از ۳۰۰ هزار نفر دیگر به اردن گریخته اند. دولت ترکیه با توجه به ادامه درگیریها و فرار مردم سوریه به این کشور، از سازمان ملل خواسته است "منطقه آزاد" برای فراریان سوری در خاک سوریه برپا نماید. قرار است سازمان ملل این موضوع را بررسی نماید. بنابراین اعلام مخالفان رژیم سوریه، رژیم



## بازتاب هفته

# کارگران معدن در آفریقای جنوبی، از پشت سر مورد اصابت گلوله پلیس قرار گرفته و کشته شدند!



فاضل نادری

آمریکائی، انگلیسی و آفریقای جنوبی در شرایط طاقت فرسائی مشغول بکار بوده اند، از دو هفته قبل بخاطر افزایش دستمزد ماهانه خود دست به اعتصاب زدند. ولی پلیس جنایتکار حافظ سرمایه داران، آنها را در حال اعتصاب بگلوله بست و در عرض چند دقیقه ۳۴ نفر آنها را بطرز فجیعی بقتل رسانده و حدود ۸۰ نفر را زخمی کرد و تلی از اجساد و زخمی شدگان را در محل اعتصاب برجای گذاشت و این کشتار جنایتکارانه دسته جمعی را، با دوربینهای خود به جهانیان نشان داد. این رویداد، خونین ترین اتفاق بعد از سقوط رژیم ویستیم آپارتاید در آفریقای جنوبی، ارزیابی شده است.

کارگران میگویند در حالیکه ما برای تولید سود هنگفت سرمایه داران، در شرایط فوق العاده دشوار و اسفناکی کار میکنیم و هر لحظه خطر مرگ ما را تهدید میکند، ولی قادر نیستیم بچه هایمان را بمدرسه بفرستیم. این کارگران در فقر و فلاکت و گرسنگی دائم بسر میبرند و از حداقل معیشت و امکانات زندگی برخوردار هستند. این کارگران بودند که در جنبش ضد آپارتاید، بیشترین فداکاریها را کردند. در این سیستم جدید بعد از آپارتاید هم، از همان محدودیت ها و فقر و فلاکت برخوردار میباشند.

در مراسم یاد بودی که بمناسبت گرامیداشت کشته شدگان، همدردی با بازماندگان آنها و آرج گذاری به مجروحین این واقعه در دنك، در روز پنجشنبه ۲۳

بنا بگفته روزنامه مشهور The Star در آفریقای جنوبی، آخرین تحقیقات کالبد شکافی از کشته شدگان حادثه اعتصاب کارگران معدن لون مین در ماریکانا در صد کیلومتری شمال غرب یوهانسبورگ آفریقای جنوبی حاکی از آنست که پلیس، بسیاری از کارگران اعتصابی را از پشت بگلوله بسته و آنها را بقتل رسانده است. این سند دیگری است که ادعای بیشرمانه پلیس مبنی بر "تیراندازی برای دفاع از خود" یک دروغ بزرگ است.

کارگران و مردم آفریقای جنوبی همچنان در سوگ قتل عام کارگران معدن اندوهگین هستند! تمام پرچمها، بویژه در ادارات رسمی، نیمه افراشته میباشند و دولت برای جلوگیری از سراسری شدن اعتراضات یک هفته عزای عمومی در کشور اعلام کرده است. همانطور که اکثر مطبوعات و خبرگزاریهای جهان بطور گسترده خبر قتل عام کارگران معدن لون مین را تقریباً روزانه پخش کرده اند، کارگران این معدن که تحت شدیدترین استثمار سرمایه داران

کارگران معدن لون مین، افزایش دستمزد آنها با قتل عام تعدادی از آنها مواجه شد.

علیرغم اخطارها و اولتیماتومهای پس از این جنایت بزرگ کارفرما در شرکت معدن لون مین، با وقاحت تمام اعلام کرده است چنانچه کارگران اعتصابی تا بیست و هشتم آگوست بر سر کارشان برنگردند، از کار اخراج میشوند. فقط ۱۳ درصد از کارگران بر سر کارشان برگشته اند. این کارگران در میان همکارانشان، به اعتصاب شکنان معروف شده اند. یکی از نمایندگان کارگران به کارفرما گفته، شما همکاران ما را بقتل رسانده اید در حالیکه ما همچنان در سوگ عزیزانمان دچار شوک و سراسیمگی هستیم، در حالیکه همکاران زخمی ما در شرایط ناگواری هستند، ما را تهدید میکنید که یا بر سر کار برگردیم یا اخراج شویم! مادام که با تقاضای افزایش حقوق ما موافقت نکنید ما هرگز بر سر کارمان برنمیگردیم.\*

بدنبال اعتراضات وسیعی که در سطح جهان در مورد این کشتار انجام شد و با بالا گرفتن دامنه خشم مردم از این جنایت، رئیس جمهور جیکوب زوما هیئتی را مسئول تحقیق و بررسی کرده است. وی گفته است که بوضع بی مسکنی کارگران باید رسیدگی شود. معدنی که سومین بزرگترین تولید کننده پلاتین در جهان است و هزاران میلیارد دلار فقط از این بابت سود جمع آوری کرده است و سرمایه عظیم و سرسام آوری از معادن دیگر ذغال و اورانیوم دارد، کارگزارانش از حداقل درآمد و معیشت فلاکتبار برخوردار نیستند.

طبق گزارش های منتشر شده، گروهی از کارگران يك معدن دیگر، قبل از اعتصاب معدنچیان شرکت لون مین، برای افزایش حقوق ماهانه خود دست باعتصاب زده و موفق میشوند که حقوق ماهانه خود را بمیزان ۱۲۵ درصد افزایش دهند. در حالیکه در تقاضای افزایش حقوق برای

اوت در اطراف معدن لون مین، محل کارگران اعتصابی برگزار گردید، کارگران، بازماندگان کشته شدگان و هزاران نفر دیگر در این مراسم شرکت کردند. همزمان در بسیاری از نقاط کشور چنین مراسم یاد بودی برگزار گردید. معدن در اینروز تعطیل بود. پلیس جنایتکار و سرکوبگر تعداد زیادی از نیروی خود را بسیج کرده و در اطراف محل تجمع مراسم و در اطراف معدن حضور داشت ولی دست به اقدامی نزد. هلیکوپترهای پلیس در حوالی معدن و فضای تجمع مردم بطور مداوم در حال پرواز بودند. زره پوشهای جنگی هم در محل بخاک افتادن کارگران بقتل رسیده مستقر شده و قدرت نمائی میکردند.

از همان ساعات اولیه کشتار دسته جمعی، رئیس پلیس آفریقای جنوبی حملات جنایتکارانه پلیس را نه تنها مورد حمایت خود قرار داد بلکه افزود، اقدامات پلیس عمل دفاع از خود بوده است. در حالیکه تحقیقات تائکوننی حاکی از آنست که بسیاری از کشته شدگان، بهنگام فرار از صحنه واز پشت مورد هدف تیر اندازی قرار گرفته اند. همه چیز حاکی از آنست که پلیس از قبل کاملاً مجهز و بسیج شده بود و تصمیم داشت در صورت سرپیچی کارگران از خواست کارفرمایان، حمام خون برپا کند و این کار را کرد.

International Committee Against Stoning  
(<http://stopstoningnow.com>)  
International Committee Against Execution  
(<http://notonemoreexecution.org>)

For more information contact:  
Spokesperson: [minaahadi@aol.com](mailto:minaahadi@aol.com)  
0049-177-569-2413

## بازتاب هفته

# از زلزله آذربایجان تا هزینه صدها میلیاردتومانی برای اجلاس تهران!

### محمد شکوهی

در حالیکه بنا بر گزارشات مردمی و بخش‌ها اعترافات هلال احمر جمهوری اسلامی، نزدیک به ۸۰ درصد وعده‌های "کمک رسانی حکومت" به مناطق زلزله زده در حد حرف مانده است، جمهوری اسلامی با صرف هزینه بیش از ۶۰۰ میلیاردتومان سرگرم برگزاری اجلاس عدم تعهدها می‌باشد. اما تنها "کمکی" که در مناطق زلزله زده و در واقع برایش حفاظت از خودش کرده است، اعزام دهها هزار نیروی انتظامی و اراذل و اوباش حکومتی به منطقه می‌باشد. رژیم بعد از گذشت بیش از سه هفته از زلزله، کشته و مجروح و آواره شدن هزاران نفر، مثل همیشه سیاست سانسور اخبار و سکوت وقیحانه در پیش گرفته است. رژیم بیش‌رمانه از کمک کردن به مردمی که هست و نیست خود را از دست داده اند، بیکارند و هیچ درآمدی ندارند، خودداری کرده و بجای آن وعده پرداخت "وام" به آنها داده است. اما حتی از وعده "وام" هم خبری نیست. هزاران نفر با بی‌سپنهای، بدون کمترین امکانات، بدون دسترسی به کمکهای پزشکی و درمانی مورد ادعای حکومت، با مرگ و زندگی در حال دست‌پنجه نرم کردن می‌باشند. بیماریهای عفونی و تنفسی با توجه به سرد شدن ها در منطقه شایع شده است. دزدی و اخاذی و بازار سیاه فروش کمک‌های اهدایی

مردم به زلزله زدگان با هدایت و کنترل عوامل رژیم در جریان می‌باشد. مدیریت بحران وزارت کشور رژیم ورود هر گونه کمک‌های مردمی و دخالت مردم را ممنوع کرده و نزدیک به ۴۰ نفرا دستگیر کرده است. مناطق زلزله زده رسماً و علناً حکومت نظامی می‌باشد. بخور و بچاپ‌های حکومتی به بهانه زلزله ابعاد نجومی به خود گرفته است.

همین هفته گذشته بود وزارت کشور و هلال احمر رژیم اعلام کردند که "گروههای امداد رسانی حکومت" لیست هزینه‌ها و خرج هایشان را در مناطق زلزله زده به دولت خبر بدهند، تا دولت مدیریت بحران زلزله در آذربایجان شرقی، ضمن برآورد هزینه‌ها، به گروههای امداد رسانی "کمکهای ویژه" بنماید. بدنبال این دستور دولت خبرگزاریهای حکومتی لیست بلند بالایی به نقل از هلال احمر رژیم و برنامه‌هایی که گویا این سازمان حکومتی برای زلزله زدگان به اجرا گذشته است، منتشر کردند. یکی از مهمترین اقلامی که در این گزارشات اعلام شده بود برگزاری ۱۶ هزار مجلس تحریم در مناطق زلزله زده بود. در صحت و سقم این خبر باید شك کرد در عین نباید فراموش کرد که از این حکومت هیچ چیزی بعید نیست. قطعاً هلال احمر برای برپایی مجالس روضه خوانی میلیونها تومان به این بهانه پول به جیب زده

و یا به آخوند ها پرداخته است. هنوز که هنوز است در مناطق زلزله زده سرم و وسایل ابتدایی مقابله با بیماریهای واگیر دار در دسترس همه مردم نیست. استانداری گفته است چون همه مراکز بهداشت خراب شده اند، "ذخیره داروها" یا ازبین رفته و یا گم شد. در رابطه با وعده‌های دروغین حکومتی، مردم به تمسخر می‌گویند: همین‌ها که قرار بود درروزه برایمان دستشویی و توالت راه اندازی بکنند، قرار است خانه هایمان را دوماهه بسازند. نه خبری از دستشویی‌ها است و نه کسی این خانه‌ها را خواهد دید. در کنار این سیاستهای ضد مردمی حکومت در مناطق زلزله، در میان سکوت خبری و ماستمالی کردن ابعاد فاجعه زلزله است که حکومت به برگزاری اجلاس سران غیر متعهدها مبادرت کرده است. صدها میلیارد تومان پول هزینه ساختمانها، هتل‌ها، برپایی نمایشگاههای ویژه و تبلیغات حکومتی، کرده است. در مدت چند هفته بیش از ۲۴ هزار متر مربع سالنهای ویژه برای برپایی اجلاس ساخته است، صدها کیلومتر خیابان، جاده‌های منتهی به محل جلسه را به گفته شهرداری تهران شبانه روزی آسفالت ریزی تازه کرده، دهها مرکز سیار پزشکی با بهترین تجهیزات در تهران به پا کرده. ۶ بیمارستان سیار راه انداخته است. چندین گروه "امداد پزشکی هوایی" راه انداخته است. با اجرای طرح ضربتی تهران را "زیبا سازی" کرده است. علاوه بر همه این هزینه‌ها و جدا از اینها بیش از ۱۱۰ هزار پاسدار و بسیج را به همراه دهها ارگان سروکوبگر دیگر رژیم در حالت آماده باش درآورده است. بر اساس ارزیابی برخی باندهای حکومتی مجموع

هزینه‌های صرف شده برای اجلاس بیش از هزار میلیاردتومان می‌باشد. هزار میلیارد تومان صرف اجلاس و اهداف حکومت شده است. حکومتی که برای تزئین چهره ضد بشری و ضد انسانی اش سر کیسه را شل کرده است و برای دفاع از خودش، میلیاردها تومان هزینه می‌کند، عمداً و آگاهانه و به بهانه برگزاری اجلائی عدم تعهدها، نهایت سعی و تلاش خود را برای به سرپوش گذاشتن موضوع تلفات و وضعیت اسفناک مردم در مناطق زلزله زده را به کار

گرفته است. برای حکومت دزدان و قاتلان جان و امنیت و سلامتی مردم هیچ موقع مهم نبوده و نیست. اینها تنها يك امر داشته و دارند، سرکوب، زندان، اعدام، دزدی، هزینه‌های سرسام آور برای حفظ کل نظام جمهوری اسلامی با این سیاستهای ضد مردمی اش رسماً کشتار مردم زلزله زده را در پیش گرفته است. جمهوری اسلامی خود مانع بزرگ و عامل اصلی وضعیت اسفناک زندگی مردم در مناطق زلزله زده می‌باشد.\*

## تحولات سوریه در هفته ای که گذشت!

از صفحه ۵

تقلایهای جمهوری اسلامی در حمایت از رژیم اسد در کنار سرکوب‌های رژیم اسد برعلیه مردم سوریه ادامه دارد. تنها چیزی که در این میان نصیب مردم و انقلاب ناتمامشان شده است، کشتار، جنگ و ویرانی و فرار می‌باشد. لازم به توضیح است که از آغاز اعتراضات مردم سوریه برعلیه رژیم اسد از ۱۸ ماه پیش تا به امروز نزدیک به ۲۴ هزار نفر کشته، ۶۵ هزار نفر زخمی و بیش از ۶ هزار نفر مفقودالثر شده و بیش از يك میلیون نفر آواره گشته اند. اما علیرغم همه این بربریت و وحشیگریهای رژیم اسد و حامیانش در سرکوب مردم، مخالفت مردم با رژیم و اینکه رژیم اسد باید برود، ادامه دارد.\*

اعلام شده در سند مصوبه این کنفرانس، بیشتر می‌باشد. بعد از پایان این کنفرانس، فرانسوا اولان رئیس جمهور فرانسه، ضمن دفاع از کنفرانس، خواهان برخورد نظامی با رژیم اسد شد. سخنگوی دولت آمریکا نیز اعلام کرد که فعلاً در این مورد تصمیم خاصی گرفته نشده ولی این به معنی رد موضوع نظامی در سوریه نمی‌باشد. ظاهراً کنفرانس برلین برای سوریه امیدواریهای زیادی در میان دست اندرکاران و برگزار کنندگان و نیروهای اپوزیسیون شرکت کننده در آن، بوجود آورده است. مخالفان داخل سوریه و وبویژه "ارتش آزاد سوریه"، هنوز موضعی در این مورد نگرفته است.

### لغو مجازات اعدام

مجازات اعدام باید فوراً لغو گردد. اعدام یا هر نوع مجازات متضمن تعرض به جسم افراد (نقص عضو، تنبیه بدنی، و غیره) تحت هر شرایطی ممنوع است. همچنین مجازات حبس ابد باید لغو شود.

از "یک دنیای بهتر" برنامه حزب کمونیست کارگری

# به حزب کمونیست کارگری ایران پیوندید!



## در مورد کشتار معدنچیان آفریقای جنوبی



گفتگو با شهلا دانشفر

انترناسیونال: هفته گذشته پلیس آفریقای جنوبی به کارگران معدن ماریکانا وحشیانه حمله کرد و بیش از ۴۰ نفر از کارگران را به قتل رساند و نزدیک به ۱۰۰ نفر را زخمی کرد. این کشتار یادآور دوران سلطه حکومت تبعیض نژادی در این کشور است. پس از گذشت ۱۷ سال از آن دوران چرا چنین جنایتی اتفاق می افتد؟

شهلا دانشفر: درست است. کشتار کارگران در آفریقای جنوبی یکی از خونبارترین حملات سرمایه داری در آفریقای جنوبی از زمان فروپاشی آپارتاید است. ۱۷ سال قبل و بدنبال جنبشی قدرتمند و سازمانیافته، دولت آپارتاید نژادی برکنار شد و برکناری آن یک پیروزی بزرگ برای کل جامعه آفریقای جنوبی بود. در نتیجه این پیروزی بخش عظیمی از جامعه، سیاه پوستان و رنگین پوستان که یک عمر بخاطر رنگ پوستشان تحقیر شده و محرومیت کشیده بودند، از این تبعیض و بیحقوقی رها شدند. آپارتاید نژادی پایان یافت، اما سیستم سرمایه داری و البته این بار در خدمت همه سرمایه داران، در خدمت سرمایه دار سفید و سرمایه دار سیاه هر دو، به حاکمیتش ادامه داد. در کشتار کارگران در آفریقای جنوبی شما چهره توحش این سرمایه داری را می بینید. خصوصا این اتفاق را

امروز باید در دل بحران جهانی سرمایه و در مبارزات هر روزه کارگران و مردم جهان علیه سیاست های ریاضت اقتصادی دول حاکم ببینیم. این اتفاق را باید در کنار جنبش جهانی علیه نظم موجود سرمایه داری و با شعار قدرت بدست ما ۹۹ درصدی ها ببینیم.

در دل چنین شرایطی است که وقتی اعتصابات کارگری در آفریقای جنوبی در چنین ابعادی سر بلند میکند و وقتی بیش از سه هزار کارگر معدن در این کشور با خواست افزایش حقوق به میدان می آیند، زنگ خطری برای سرمایه داری حاکم در این کشور به صدا در می آید. در نتیجه همانطور که در کشوری مثل یونان می بینیم که کارگر را بخاطر اعتراض زندانی میکنند و از کار اخراجش میکنند. در اسپانیا و آمریکا نیز همینطور، در آفریقای جنوبی نیز شاهد چنین جنایتی هستیم. البته برای فهمیدن موضوع و اینکه چرا مساله در آفریقای جنوبی چنین ابعاد جنایتکارانه ای بخود میگرد، باید پاسخ را در شرایط این کشور جستجو کرد.

واقعیت اینست که جنبش علیه آپارتاید نژادی یک جنبش اجتماعی عظیمی بود. جنبشی که یکسوی آن سرمایه دارانی بودند که تداوم این شکل از حاکمیت را مانعی برای رشد سرمایه هایشان میدیدند. سیستمی که در آن جایی برای سهم شدن سرمایه های سیاه پوستان و رنگین پوستان نبود و از سوی دیگر کارگران و توده های وسیع مردم که زیر بار آپارتاید له میشدند.

کنگره ملی آفریقا سازمان سراسری مبارزه و سخنگوی چنین جنبشی بود. سازمانی که کنفدراسیون اتحادیه های کارگری این کشور "گوساتو" را در بر

میگرفت و حزب کمونیست این کشور نیز عضوش بود. بدین ترتیب مردمی که هر روزه در زیر دست و پای حکومت تبعیض نژادی و جنایاتش خرد میشدند، گرد چنین سازمانی جمع شده و تمام امیدشان را به آن بسته بودند. این کنگره یا در واقع ائتلاف

توانست در ۱۷ سال قبل در سال ۱۹۹۴ اکثریت پارلمان را بدست آورد و دولت را تشکیل دهد. اما "کنگره ملی آفریقا" یا "ان سی" از نیروها و جریانات و گرایشات متضاد و مختلفی تشکیل میشد. وقتی که به قدرت رسید گرایش بورژوازیی مقابل کارگران و نیروهای رادیکال صف آرایی کردند. جدال و کشاکشی گاه پنهان و گاه آشکار میان این جریانات در سطح جامعه جریان یافت که انعکاس و بخشی از کل مبارزه طبقاتی در جامعه بود. با قدرت رسیدن کنگره ملی آفریقا، همانطور که اشاره کردم آپارتاید نژادی که همه این گرایشات علیه آن بودند پایان یافت، ولی حاکمیت جدیدی به نمایندگی از کل سرمایه داری در جامعه شکل گرفت. دولتی که امروز با اتکا به چنین تاریخی نبض جامعه را در دست دارد مقابل آن بخش از انقلابیون ضد آپارتاید است که نه فقط خواهان پایان دادن به آپارتاید نژادی بودند و بلکه لغو سیستم آپارتاید طبقاتی را نیز میخواستند.

نکته قابل توجه اینکه بعد از سقوط دولت آپارتاید نژادی در آفریقا، اقتصاد جامعه بدرجه ای شکوفا شد، با از بین رفتن تبعیض نژادی به لحاظ سیاسی فضای جامعه گشایش هایی پیدا کرد. بخش عظیمی از جامعه از تبعیض و نابرابری نژادی و تحقیر دایمی و فشار و ناامنی رها شدند. اما این همه خواست کارگران و مردم نبوده و نیست. مردم زندگی

بهتری میخواستند.

بدنبال کشتار کارگران معدن لون مین، اعتراض کارگران برای افزایش دستمزدشان ادامه یافته و یکی از کارگران معدنچی میگوید: "من ترسی ندارم چون برای آن چیزی مبارزه می کنم که زندگی را بهتر می کند. پول برای زندگی بهتر به خانواده من کمک می کند. من نان آور خانواده هستم و پولی که اکنون به دست می آورم کفاف مخارج خانواده را نمی دهد."

خلاصه کلام اینکه امروز بحران جهانی سرمایه دامنه اش، اقتصاد این کشور را نیز گرفته است. طرحهای ریاضت اقتصادی و حمله به زندگی و معیشت در دستور سرمایه داری حاکم قرار گرفته است. در برابر این وضعیت کارگران ایستاده اند. کارگرانی که تجربه مبارزه ای متحد و سازمانیافته علیه آپارتاید نژادی را دارند و قدرت تشکل و مبارزه خود را تجربه کرده اند و این چیزی است که همواره سرمایه داران حاکم بر این کشور از آن بیم داشته اند.

در این میان اتحادی از صف سرمایه داران را در مقابل کارگران می بینیم. کنفدراسیون سراسری اتحادیه های کارگری "گوساتو" نیز در این میان نقشش روشن است. این تشکل دولتی به پشتوانه سالها مبارزه علیه آپارتاید نژادی مهار

جنبش کارگری را در دست گرفته است. اما مدتهاست که موج ریزش نیرو در این تشکل سراسری کارگری شروع شده و سخن از شکل گرفتن تشکلهای رادیکال خود کارگران در میان است. در اتحادیه "نام" اتحادیه کارگران معدن که وابسته به گوساتو است نیز وضع بر همین منوال است و در جریان این کشاکش ها دوازده سال قبل بود که شاخه ارتجاعی قومی، مذهبی، اتحادیه "امکو" از آن جدا شده و برای خود مشغول جمع آوردن نیرو شده است. در این شرایط است که وقتی ۳۰۰۰ کارگر لان مین بیرون می آیند و دست به اعتراض میزنند و افزایش دستمزد

میخواهند، هم دولت هم کارفرمای معدن و هم کل گرایشات راست در درون کنگره ملی آفریقا و هم خط راست در اتحادیه وحشت زده میشوند. آنها نگرانند که یک قیام و انقلاب کارگری به جریان بیفتد که قابل مهار نیست.

در چنین شرایطی است که به صف کارگران معدن در آفریقای جنوبی آتش گشوده میشود. در چنین شرایطی است که در واقع دست به اعدام صحرایی و دسته جمعی کارگران میزنند. و وقتی که پلیس با ادامه اعتراض و خشم کارگران روبرو میشود، انجام این کار را دفاع از خود و مهمتر از آن بر هم خوردن نظم جامعه قید میکند. بعدا نیز می بینیم که بنا به گزارش نیویورک تایمز فرانس بالنی از رهبران اتحادیه "نام"، با نزدیک به ۳۰۰ هزار عضو که بسیاری از رهبرانش، از کادرها و رهبران کنگره ملی آفریقا هستند، در مصاحبه ای با رادیو کایا اف ام از عمل پلیس در تیرباران کارگران دفاع میکنند. جاکوب زوما رییس جمهوری کشور نیز با اعلام تاسف خود از این کشتار، از تشکیل گروه تحقیق خبر میدهد و همانجا بر حق اعتراض آرام و مسالمت آمیز تاکید گذاشته و کارگران را به صلح و ثبات فرا میخواند.

انترناسیونال: در متن شرایط سیاسی امروز دنیا شما این واقعه را چگونه تفسیر می کنید؟

شهلا دانشفر: ببینید کشتار کارگران آفریقای جنوبی همسرنوشتی کارگران در سراسر جهان را به روشنی نشان داد. سرمایه داری بحران زده جهانی در همه جا در کشورهای مختلف جهانی معیشت و زندگی کارگران و کل مردم را مورد تعرض قرار داده است. در مقابلش همانطور که اشاره کردم جنبشی بالنده علیه کل این نظام در حال شکل گرفتن است. از جمله در چند سال اخیر ما شاهد



## شورش مردم علیه طالبان در افغانستان



کاظم نیکخواه

افغانستان بعنوان جولانگاه ارتجاع و عقب ماندگی و توحش زیانزد است. این کشور در دو دهه گذشته تاکنون لانه دستجات خونخوار و تروریست اسلامی و نظم نوینی بوده است. ارزشهای انسانی در این کشور رسماً لگد مال میشود. اینجا جایی است که کودکان را به جرم درس خواندن لت و پار میکنند. زنان و مردان را به اتهاماتی که جز در محضر ارتجاع متعفن گناه نیست، به فجیع ترین شکلی شکنجه و سنگسار و اعدام میکنند. کشتار و جنایاتی که هرروزه علیه زنان و دختران و کل مردم شریف این کشور به کار گرفته شده برآستی قلب هر انسانی را به درد می آورد. باندهای طالبان و القاعده و شیوخ و قبایل از یک طرف، و دولت و دستجات وابسته به نظم نوین و پنتاگون و ارتجاع جهانی از سوی دیگر، هر صدای انسانی و آزادیخواهی را سالهای سال در این کشور خفه کرده اند. بلندگوهای تبلیغاتی رسمی نیز بنا به روال معمول خود، وانمود میکنند که مردم خود جزئی از این دستجاتند و خواست و آرزو و اهداف انسانی ای ندارند.

اما گاه گاه صداها آنچنان برجسته میشود که این رسانه ها نمیتوانند خود را به نفهمین بزندان روزهای اخیر برای چندمین بار اخباری منتشر شد که مردم در بخشهایی از افغانستان علیه نیروهای طالبان دست به قیام زده اند و آنها را از مناطقی بیرون رانده اند و مدارس را باز کرده اند تا دختران و پسران به مدرسه بروند و درس بخوانند. جالب

اینست که نمایندگان مجلس افغانستان نسبت به قیام مردم هشدار داده اند و گفته اند "اگر مردم در این قیامها مسلح شوند، در درازمدت می تواند خود به تهدیدی علیه امنیت تبدیل شوند" همین خود بروشنی نشان میدهد که چگونه حکومت نظم نوینی افغانستان خود حامی ارتجاع اسلامی طالبان است. بخش فارسی "بی بی سی" البته فراموش نکرده است که این را از زبان یکی از افراد قیام کننده تاکید کند که این قیام انگیزه سیاسی ندارد! وقتی که مردم دست به اسلحه میبرند و یک نیروی سیاسی ارتجاعی را عقب میرانند و قوانینش را ملغاً اعلام میکنند، واقعا معلوم نیست "انگیزه سیاسی ندارد" حتی اگر کسی بر زبان آورده باشد، چقدر مضحک و بی معناست. گزارش بی بی سی را اینجا عیناً بازگو میکنیم:

"حدود دو هزار نفر در ولایت لوگر در جنوب کابل در برابر شورشیان طالب دست به قیام مردمی زدند. قیام کنندگان که با سلاح های خفیف مجهزند گفتند: دیگر به طالبان اجازه نخواهند داد تا مردم بیگناه را بکشند و مانع رفتن کودکان شان به مکتب/مدرسه شوند. قیام کنندگان گفته اند که از دولت و از هیچ جناح نمایندگی نمی کنند و قیام شان انگیزه سیاسی ندارد. براساس گزارشها از ولایت لوگر حدود ۲ هزار نفر از اهالی این ولایت در 'پل علم' مرکز لوگر، علیه طالبان اقدام به قیام مسلحانه کرده اند. گفته شده که اکثر قیام کنندگان جوان اند و در میان آنها نوجوانان زیر سن ۱۸ سال و مردان بالاتر از ۴۰ سال نیز دیده می شود.

صفی الله امین زاده گزارشگر بی بی سی در کابل می گوید قیام کنندگان با راکت، اسلحه 'کلاشینکوف' و مخابره مجهز اند و سوار بر موتوسایکل و موتور/ماشین در خیابانهای 'پل علم' گشت زنی کردند و علیه طالبان و کشورهای همسایه افغانستان شعار دادند. سید فرهاد اکبری که خود را

پیشتر قیام کنندگان می خواند به بی بی سی گفت آنها علیه کشتار بیگناهان از سوی طالبان دست به قیام زده اند: "ما مردم محل به دلیل ظلمی که به نام طالب بالای مردم می شود تا آنها به مقام و هدف و مرام خود برسند، قیام کرده ایم. بچه های ما را در مکتب شهید کردند، دختران مکتب را در مکتب سعیدیه شهید، زدند و ما آنرا نادیده گرفتیم و گفتیم شاید اشتباهی در کار باشد. بار دیگر ملا امام مسجد ما را شهید کردند و به همین ترتیب دیگر بیگناهان. ما دیگر ظلم کسی را نمی پذیریم. ما قیام خود را می خواهیم و به پای خود ایستاد می شویم و دیگر نمی گذاریم که هیچ برما ظلم کند."

خیزشهای مردمی در برابر شورشیان در جنوب و شرق افغانستان ریشه در قیام مردم ولسوالی 'اندر' ولایت غزنی دارد. در ماه ژوئن امسال، دهها فرد مسلح در ولایت غزنی علیه گروه طالبان دست به قیام زدند و با بیرون راندن این گروه زمینه بازگشایی مکتبها، درمانگاهها و فعالیتهای اجتماعی را فراهم کردند. قیام های مشابه هم در ولایات ننگرهار، لغمان و نورستان برپا شد.

دو روز پیش شماری از اعضای مجلس نمایندگان افغانستان نسبت به پیامدهای قیام های مسلحانه مردمی علیه طالبان در مناطق مختلف ابراز نگرانی کردند. این نمایندگان گفتند که اگر مردم در این قیامها مسلح شوند، در درازمدت می تواند خود به تهدیدی علیه امنیت تبدیل شوند"

آری ارتجاع اسلامی و نظم نوینی دست در دست هم دارند اما صدای انسانیت حتی در زیر یک عالمه بمب و دود و آتش و توحش قرون وسطایی نیز، خاموش نمیمانند. آینده افغانستان و ایران و کل منطقه از آن این صداهاست که بهم می پیوندند و با خیزشها و انقلاباتی انسانی و میلیونی به دوره تلخ و رنج آور کنونی برای همیشه پایان میدهند.\*

## عروسانی که باید عروسک بازی کنند



سهیلا شریفی

آوری آنها به تن فروشی شده است. با وجود اینکه يك قانون نیم بند از سال ۲۰۰۲ به بعد سن ازدواج دختران زیر ۱۳ سال را تا حدودی محدود کرده است اما تبصره هائی که بر آن وجود دارند (اگر پدر یا قیم راضی باشد و صلاح بداند!) باعث شده نه تنها آمار ازدواجهای زیر سن کمتر نشده بلکه به "برکت" فقر فزاینده ای که گریبان مردم را گرفته است این پدیده به شکل دهشتناکی رو به افزایش بوده است. یکی از سازمانهای مدافع حقوق کودکان در ایران در آماری که منتشر کرده اعلام نموده است که در سال ۲۰۰۹ شماره دخترانی که زیر سن ۱۵ ازدواج کرده اند به ۴۳۴۵۹ نفر رسیده که به نسبت ارقام سه سال قبل از آن که ۳۸۳۳۳ نفر بوده، افزایش قابل توجهی را نشان می دهد.

حکومت اسلامی ایران هرچند گوی سبقت را از همه مرتجعین و جانپان دنیا برده است اما در این جنایات تنها نیست. هرجا پای اسلام و قوانین شریعت به حکومت کشیده شده قوانین ضد زن و ضد بشری آن دامن مردم و در درجه اول زنان و دختران را گرفته. عربستان سعودی از آن جمله کشورهایی است که ازدواج دختران زیر ده سال را رسماً قانونی اعلام کرده است. سرگذشت "نجود" دختر بچه ده ساله ای که در یمن درخواست طلاق کرده بود همه دنیا را متحیر کرد و ابراز انزجار از این قوانین در سراسر دنیا از طریق رسانه های بین المللی منجر به فشار فراوانی بر دولت یمن شد تا قوانین ازدواج سن منجر به افزایش بیماریهای روانی، خودکشی و خودسوزی، فرار دختران نوجوان از خانه و روی

محمد علی اصفهانی عضو مجلس شورای اسلامی به رسانه ها گفته است "سن مناسب برای ازدواج يك دختر به بلوغ رسیده ۹ سال است و از این سن وی واجد شرایط ازدواج می باشد. هر چیزی غیر از این در تضاد و چالش با شریعت اسلامی است." بنا به خبرها انتظار می رود که مجلس شورای اسلامی این قانون را جهت سازگاری با شریعت اسلام به رای بگذارد.

در واقع کاری که دست اندرکاران جمهوری اسلامی می کنند، این است که جنایتهائی را که در حق کودکان و مخصوصاً کودکان دختر تا بحال انجام داده اند، قانونی و رسمی کنند. با به قدرت رسیدن حکومت اسلامی سن ازدواج برای دختران ۹ سال و سن ازدواج پسران ۱۵ سال اعلام شد و بعد از آن آمارها خیر از تعداد سرسام آوری از ازدواج دختر بچه های نه و ده ساله با مردانی که خیلی از خودشان مسنتر هستند می دهند. فقط در همین چند هفته گذشته بیش از ۷۵ کودک زیر ده سال مجبور به ازدواج با مردان بسیار مسنتر از خودشان شده اند. گفته می شود که ابعاد بالای ازدواج کودکان زیر سن منجر به افزایش بیماریهای روانی، خودکشی و خودسوزی، فرار دختران نوجوان از خانه و روی

## در مورد کشتار معدنچیان آفریقای جنوبی

از صفحه ۸

بزرگترین و بیسابقه ترین اعتراضات کارگری در کشورهای مختلف اروپا بوده ایم که دامنه اش به آفریقا، و آسیا و کشورهای چون چین کشیده شده است. به نظر من اتفاقی که در آفریقای جنوبی افتاد را باید در دل این تحولات سیاسی جهانی دید. جالب است جنبش جهانی علیه سرمایه کل نظم موجود را زیر سوال برده است، پلیس آفریقا در توضیح علت به گلوله بستن صف کارگران میگوید مهمتر از مساله اعتراض صنفی کارگران، مساله برهم زدن نظم

به عبارت روشنتر امروز به روشنی میتوان دید که مبارزه کارگران آفریقای جنوبی ادامه مبارزه کارگران در یونان، در ایتالیا، در اسپانیا و سراسر جهان است و باید با حمایتی جهانی و بین المللی روبرو شود. دفاع از کارگران آفریقای جنوبی دفاع از مبارزه کارگران در سراسر جهان علیه توحش و بربریت سرمایه داری است.

انترناسیونال: کشتار کارگران معدن در آفریقای جنوبی چه پیامی به کارگران جهان و از جمله ایران دارد؟

شهلا دانشفر: ساده ترین و روشن ترین پیام این کشتار اینست که باید سرمایه داران را از حاکمیت به زیر کشید و نظام سرمایه داری را که از قبل کار و استثمار کارگران پابرجاست در هم کوبید. کشتار وحشیانه کارگران آفریقای جنوبی و مبارزات آنان به روشنی نشان داد که به زیر کشیدن آپارتاید نژادی کافی نیست، باید کل بساط توحش و جنایت سرمایه داری را جارو کرد. کشتار کارگران آفریقای جنوبی با

همدستی پلیس حکومت سرمایه داری حاکم و شرکت های انگلیسی و سهامداران غربی آن صورت گرفت. این جنایت وحشیانه بیش از هر وقت اتحاد و همدستی سرمایه داران را در استثمار و سرکوب کارگران و کل جامعه و نیز همسرنوشتی کارگران در سراسر جهان را به نمایش گذاشت. پیام کشتار وحشیانه کارگران آفریقای جنوبی به کارگران جهان و به کارگران ایران تاکید دیگری بر اتحاد و همبستگی جهانی کارگری است. پیام آن تاکید دیگری بر شعار "کارگران جهان متحد شوید" است. کشتار کارگران آفریقای جنوبی تاکید دیگری بر ضرورت پایان دادن به توحش سرمایه داری و ساختن جامعه ای نوین است که اساسش بر آزادی و برابری و رفاه کل جامعه بنا شده باشد.

انترناسیونال: شما نقش احزاب چپ بورژوازی آفریقای جنوبی را در این میان چگونه می بینید؟

شهلا دانشفر: حزب کمونیست آفریقای جنوبی یک پای کنگره ملی آفریقا و دولت حاکم است. این حزب شباهت زیادی به حزب توده و اکثریت در ایران دارد. سران و رهبران این حزب با تلاش برای در دست داشتن اهرمهای قدرت دولتی و پست های اتحادیه ای عملا در راس سرمایه های مالی بزرگی قرار دارند. این حزب بهیچ وجه ربطی به کمونیسم مارکس و رها شدن کارگر و کل جامعه ندارد. اساس سیاست این حزب همان سرمایه داری دولتی از نوع بلوک شوروی است. یک سیاست سرمایه دارانه آشکار که به اسم کمونیست سخن میگوید. بسیاری از سران و رهبران تشکل سراسری کارگران در این کشور

کوساتو" که تشکلی دولتی است از اعضای این حزب هستند. مجموعه این نیروهاست که پایه های دولت سرمایه داری حاکم در آفریقای جنوبی را شکل داده است.

از همین رو در جریان کشتار کارگران آفریقای جنوبی می بینیم که با سیاست واحدی از سوی دولت و کوساتو و "حزب کمونیست" آفریقای جنوبی و غیره روبرویم. ۴۴ کارگر به قتل رسیده اند و فراخوان همگی اینها دعوت به صلح و ثبات است.

انترناسیونال: "کمیته همبستگی کارگری ایران" که شما مسئولیت آنرا بعد از دارید فعالیت هایی را در محکومیت کشتار کارگران آفریقای جنوبی آغاز کرده است، هدف شما از این فعالیت ها چیست؟

شهلا دانشفر: از توضیحاتی که دادم به درجه زیادی روشن است که ما چه چیزی را دنبال میکنیم. ما حمایت از کارگران آفریقای جنوبی را کارزار مهمی در همبستگی جهانی کارگری میدانیم. حمله به کارگران آفریقای جنوبی به همه کارگران در سراسر جهان مربوط است و باید از سوی همه کارگران در سراسر جهان پاسخ گیرد و شدیداً محکوم گردد. ببینید کارگر معترض را در یونان زندانی میکنند، سرمایه دار فرانسوی به خود جرات میدهد که با غیر قانونی خواندن اعتراض کارگر، کارگران اعتصابی در فرانسه را تهدید به بیکاری کند. کارگران ایرانی را زیر تهدید و فشار دایمی زندان و شکنجه قرار داده اند، و در جایی مثل آفریقا جیره بگیران سرمایه به خود اجازه میدهند صف کارگران را به گلوله بندند. چیزی که بیش از بیش مشهود است، صف متحد سرمایه دار انگلیسی، فرانسوی، آمریکایی و جاهای دیگر جهان با یکدیگر و سرمایه گذاری های مشترک آنان در

این گوشه و آن گوشه جهان است. صف متحدی که دارند در همه جا حقوق کارگر را زیر پا میگذارند. کارگران همه جهان نیز باید چون صفی واحد عمل کنند.

تا آنجا که به ما بعنوان کمیته همبستگی بین المللی کارگری برمیگردد، ما به محض انتشار خبر این کشتار، با ارتباطاتی که با فعالین اتحادیه های کارگری در س ژت فرانسه، ال او سوئد و کانادا و کشورهای مختلف داشتیم تماس گرفتیم. بر سر اقدامی سراسری در محکومیت این کشتار و جنایت تاکید گذاشتیم. پتی شن اعتراضی دادیم و بر ضرورت گذاشتن آکسیونهایی اعتراضی در کشورهای مختلف در مقابل سفارت آفریقای جنوبی و مراکز شهرها تاکید کردیم. از جمله به فراخوان جمعی از فعالین اتحادیه کارگری در سوئد و کمیته همبستگی بین المللی کارگری - ایران، حزب کمونیست کارگری ایران و جریانات سیاسی مختلف آکسیونی اعتراضی در مقابل سفارت آفریقای جنوبی در ۲۷ اوت در استکهلم برپا شد. همینطور در فرانکفورت در آلمان و تورنتو در کانادا آکسیونهایی داشتیم. فعالینی از اتحادیه های کارگری مختلف در کشورهای سوئد، فرانسه، مراکش،

### تلفن تماس با حزب در خارج از کشور

اصغر کریمی، دبیر کمیته خارج  
۰۰۴۴۷۷۲۵۱۸۱۷۹۲

### تلفن تماس با حزب از ایران

شهلا دانشفر: دبیر کمیته سازمانده  
۰۰۴۴۷۷۷۹۸۹۸۹۶۸

آدرس پستی:

I.K.K , Box: 2110 ,  
127 02 Skärholmen - Sweden

# انقلابی انسانی، برای حکومتی انسانی!



## کشتار بیرحمانه کارگران معدن ماریکانا توسط پلیس آفریقای جنوبی را شدیداً محکوم میکنیم



کارفرما و زیر نظر دولت و نمایندگان کارگران مورد معالجه قرار گیرند و به آنها غرامت پرداخت شود

۶- اعتصاب کارگران معدن پلاتین ماریکانا با هدف افزایش دستمزد صورت گرفته است. این یک خواست برحق است و کشتار کارگران نباید باعث شود که این خواست کارگران به حاشیه رانده شود. ما از مبارزات این کارگران و خواست افزایش دستمزد برای آنها وسیعاً حمایت میکنیم.

۷- ما امضا کنندگان این بیانیه روز ۱۶ اوت یعنی روز کشتار کارگران را هر سال روز اعتراض علیه توحش سرمایه داری اعلام میکنیم و از همه سازمانها و اتحادیه های کارگری میخواهیم که از این تصمیم رسماً پشتیبانی کنند.

سطح عمومی اعلام شود. تمامی دستگیر شدگان باید فوراً آزاد شوند.

۲- تمام عاملین و آمرین این جنایت از بالا تا پایین باید در دادگاهی علنی و از قبل اعلام شده، محاکمه شوند.

۳- برای خانواده های قربانیان امکانات رایگان حقوقی (وکیل مدافع و مشاوره حقوقی و غیره) در این دادگاه فراهم شود.

۴- بازماندگان و خانواده های جانبازان باید فوراً از حمایت مالی مناسب و از نظر زمانی نامحدود برخوردار شوند و زندگی آنها با استاندارد بالایی تامین شود.

۵- تمام مجروحین باید با بهترین امکانات و با هزینه

ما کارگران و تشکلهای کارگری، شدیداً کشتار کارگران معدن پلاتینوم در ماریکانا در آفریقای جنوبی توسط پلیس این کشور را محکوم میکنیم. این یک وحشیگری تمام عیار و یک اعدام دسته جمعی و بیرحمانه کارگرانی بود که با خواست افزایش دستمزد دست به اعتصاب و تظاهرات زده بودند. همه شواهد نشان میدهد که پلیس از قبل تصمیم گرفته بود به کارگران بیرحمانه حمله کند و بهانه هایی که توسط پلیس آفریقای جنوبی برای توجیه این قتل عام ارائه میشود نفرت انگیز و غیر قابل قبول است. ما همه کارگران و مردم انسان دوست جهان را به محکوم کردن این جنایت کارفرمایان و پلیس آفریقای جنوبی فرا میخوانیم. ما اعلام میکنیم:

۱- اسامی تمام کارگران جان باخته و همه مجروحین باید در



# کارگران جهان متحد شوید

## مرگ ۳ کارگر ایران خودرو به دلیل نشت گاز ناشی از فقدان ایمنی

ظهر روز پنجشنبه ۲ شهریور کارگران بخش گازسانی شرکت ایران خودرو برای تعمیر لوله‌های گاز مشغول به کار می‌شوند که در هنگام کار یکی از لوله‌ها شکسته و یکی از کارگران بر اثر نشت گاز دچار تنگی نفس می‌شود. در ادامه یکی دیگر از کارگران به قسمت مونتاژ می‌رود تا کمک بیاورد و یکی از کارگران مونتاژ برای کمک با او همراه می‌شود اما شدت نشت گاز به حدی بوده است که هر ۳ کارگر (۲ نفر از گازسانی و ۱ نفر از مونتاژ) جان خود را از دست می‌دهند.

شرکت ایران خودرو که از محل ارزش اضافی تولید شده توسط کارگران سوده‌های سرشاری به جیب می‌زند هیچ ارزشی برای جان کارگران قائل نیست و تنها به فکر سودآوری هر چه بیشتر است و این اولین بار نیست که کارگران ایران خودرو بر اثر کوتاهی در رعایت اصول ایمنی جان خود را از دست می‌دهند. کمیته‌ی هماهنگی ضمن عرض تسلیت به خانواده‌ی این

کارگران جان‌باخته و کارگران ایران خودرو، مسئولان کارخانه را مسبب جان باختن کارگران می‌داند و شدیداً به نبود شرایط ایمن در کارخانه‌ی ایران خودرو اعتراض می‌کند و تأکید می‌کند که تنها راه حل در پیش پای کارگران حرکت به سمت ایجاد تشکل کارگری خودساخته و اعتراض متشکل و دسته‌جمعی نسبت به شرایط موجود است. کمیته‌ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری ۳ شهریورماه ۱۳۹۱

### شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی

کمک مالی خود را می‌توانید آنلاین از هر جای دنیا با مراجعه به سایت زیر (از طریق paypal) ارسال کنید. لطفاً قید کنید که کمک ارسالی شما برای کانال جدید است:  
http://www.countmein-iran.com

#### سوئد:

Sweden, Post Giro: 639 60 60-3  
account holder: IKK

برای کمک مالی به کانال جدید در سوئد همچنین می‌توانید با فواد روشن با شماره تلفن ۰۷۰۸۲۷۱۴۵۳ تماس بگیرید، تا با دادن شماره حساب خود اتوماتیک هم‌مقدار که مایل باشید از حساب شما برداشته شود.

#### آلمان:

Germany, Rosa Mai, Konto. Nr.: 583657502  
Bankleitzahl: 37010050, Post Bank

#### کانادا:

Canada, ICRC, Scotiabank  
4900 Dixie Rd, Mississauga, L4W 2R1  
Account #: 84392 00269 13

#### هلند:

Bank: RABOBANK, Darande hesab: FVIVN  
Shomare hesab: 15 13 50 248  
Adres: EINDHOVEN  
IBAN No: NL74 RABO 0151 350 248

#### آمریکا:

Bank of America  
277 G Street, Blaine, Wa 98230  
phone # 1-360-332-5711, Masoud Azarnoush  
Account number : 99 - 41581083  
wire: ABA routing # 026009593  
swift code : BOFAUS3N

شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس  
و از هر کشور دیگر:

England, Account nr. 45477981  
sort code: 60-24-23, account holder: WPI  
branch: Wood Green, Bank: NatWest  
IBAN: GB77 NWBK 6024 2345 81 4779  
BIC: NWBK GB 2L

سوالی دارید می‌توانید با شماره‌های زیر تماس بگیرید:  
از اروپا: سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱  
کانادا و آمریکا: فاتح بهرامی: ۰۰۱۴۱۶۷۲۹۷۲۵۷  
مصطفی صابر: ۰۰۱۶۰۴۷۳۰۵۵۶۶  
از ایران: عبدل کلپریان ۰۰۳۵۸۴۰۵۷۵۸۲۵۰

## مرگ یک کارگر ساختمانی تبعه افغانستان در حین کار

رعایت نکردن اصول ایمنی هنگام تخریب ساختمان در خیابان ولیعصر موجب مرگ یک کارگر تبعه افغانستان شد. سازمان آتش نشانی، در پی وقوع ریزش آوار بر روی یک کارگر در ساختمان در حال تخریب یک کارگر ساختمانی تبعه افغانستان جان خود را از دست داد. در محل حادثه یک چهار دیواری مشاهده می‌شد که قسمتی از آن گودبرداری شده و کارگران در حال تخریب بخش دیگری

از این ساختمان بودند که در هنگام تخریب سقف و دیوارهای جانبی تیر آهن و بخشی از سقف بر روی کارگران فرو می‌ریزد و کارگری نیز در زیر آوار محبوس شده بود. آتش نشانیان با رعایت اصول ایمنی تیرآهن و قسمت‌های فرو ریخته را برداشته و کارگر جوان را بنام «فضل-ا» از اتباع بیگانه، از زیر خاک، آجر و تیرآهن خارج کردند. این کارگر بر اثر ضربات وارده و حجم زیادی از خاک و

## عدم پرداخت بیمه کارگران شرکت صنایع امید

کمیته‌ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری کارفرمای شرکت صنایع امید ابتکار سنندج با وجود کسر مبلغ حق بیمه از دستمزد ماهانه کارگران برای مدت ۷ ماه از

واریز بیمه کارگران شرکت به سازمان تامین اجتماعی خودداری کرده است. بنابراین دفترچه بیمه کارگران به دلیل بدهی کلان این شرکت به سازمان تامین اجتماعی تمدید نشده و کارگران و خانواده‌هایشان

# اساس سوسیالیسم انسان است!



## سیرک غیر متعهدا در تهران

از صفحه ۱

تعطیلی بسیاری از ادارات، کارگاهها، مغازه ها دادند. تمام نیروهای مسلح خود را بسیج کردند، در سر هر معبری ایستگاههای ایست بازرسی ایجاد کرده و اوباش رژیم در آنها مستقر شده و تفتیش و آزار مردم را شدیدتر کردند. خانه های بعضی محلات را با پول و یا بزور از ساکنین آن خالی کرده و مزدوران خود را در پشت بام ها به کشیک گذاشتند. بسیاری از خیابانها و میادین را بستند و تلاش کردند تا عرصه را بر مردم تنگ کرده و آنها را مجبور به خروج از تهران کنند و برای سهولت اینکار یک سهمیه اضافی بنزین در اختیار دارندگان اتومبیل گذاشتند. شهر ۱۰ میلیونی تهران به مدت ۵ روز تعطیل شد.

اسلامی درباره برقرار شدن روابط حسنه با مصر و اهمیت حضور مرسی در تهران را نقش بر آب کرد. کمدی بازدید مهمانان از تاسیسات هسته ای جمهوری اسلامی، کسل کننده تر از آن بود که کسی به آن توجه کند. اما عده ای به شوخی بیزمه "تشکیل بانک و پول مشترک کشورهای جنبش عدم تعهد" خندیدند. با وجود اینکه حتی به رسانه های خودی "انتشار اخبار اختلافات میان مسئولان که برداشت تفرقه شود" را ممنوع کردند و برای کارکنان این رسانه ها کلاس های توجیهی گذاشتند تا مبادا در مورد اجلاس غیر متعهدا "انعکاس تخریبی" انجام شود، باز هم شکاف های درون رژیم و اختلافات شدید بین باند های حکومتی بوضوح نشان داده شد. احمدی نژاد در حاشیه گذاشته شد و ولی فقیه خود بعنوان سخنران اصلی در اجلاس و مذاکره کننده برای انجام معامله ها و بند و هم میشود. از زمان سرکار آمدن جمهوری اسلامی این قوانین ارتجاعی بار دیگر بعنوان قانون کشور اعلام شده و زندگی و آینده هزاران دختر جوان را به فنا برده است.

## عروسانی که باید عروسک بازی کند

از صفحه ۹

در اکثر کشورهای دنیا سن ازدواج برای دختر و پسر ۱۸ سال تعیین شده است. این سنی است که طبق داده های تائکونومی علمی و اجتماعی انسان به سن بلوغ می رسد و می تواند مسئولیت کارها و تصمیمات خود را برعهده بگیرد. سن تماس جنسی و رضایت برای همخوابی در بیشتر نقاط دنیا ۱۶ سال است اما طبق تعریف ازدواج فراتر از رابطه جنسی است و انسان باید قادر باشد بدرستی تصمیم بگیرد و و مسئولیت اداره زندگی زناشویی را بپذیرد. اما در قوانین اسلامی از زمان محمد تاکنون تجاوز به کودکان تحت نام ازدواج امری رایج بوده و حتی تشویق و ترویج

که توجه شود چگونه موج به عقب راندن و سرکوب مبارزات زنان در همه ابعاد خود را نشان می دهد. همین چند هفته پیش بود که یکی از سران حکومت اسلامی اعلام کرد که زنان نباید از بارداری جلوگیری کنند و زنان را تشویق به داشتن فرزندان بیشتر کردند. این تلاشها در کنار تلاش برای بیرون کردن زنان از دانشگاهها و فرستادن آنها به کنج مطبخ، همه در ادامه تلاش محتوم به شکست این رژیم در برابر جنبش آزادی و برابری است. می خواهند با مجبور کردن دختران زیر سن بلوغ به ازدواج آنها را به تمکین واداشته و از طغیان عظیمی که هم اکنون در میان جمعیت جوان کشور علیه همه قوانین ارتجاعی اسلامی در غلیان است بکاهند.

يك حكومت منسجم و با ثبات بدهد و برایش منافع سیاسی و اقتصادی داشته باشد. اما تلاش های آشکار رژیم در نظامی کردن تهران، افزایش سرکوب و خفقان، شکست های افتضاح آمیز برای اهداف و برنامه های سیاسی از اجلاس غیر متعهدا و ادامه دعواهای درون نظام، چهره واقعی حکومت اسلامی را روشن تر از همیشه در مقابل چشمان مردم دنیا و بخصوص شرکت کنندگان در اجلاس قرار داد. ریاست سیرک غیر متعهدا اعتباری به يك حكومت جنایتكار و غارتگر نظیر جمهوری اسلامی نمی دهد، همچنانکه به حسنی مبارك رئیس دوره قبلی آن، هیچ کمکی نکرد. يك يورش مصمم و متحدانه مردم ایران بساط این رژیم را جمع کرده و به برگزاری این قبیل نمایشات توسط معرکه گیران و جانوران اسلامی در این کشور، خاتمه خواهد داد.\*

بخاطر دختر بچه های کوچکی که باید با کودکی وداع کنند و به يك زندگی پر از رنج و آزار تن بدهند، بخاطر دختران جوانی که به ضرب حاکمیت سیاه اسلامی باید خلاقیتهايشان را سرکوب کنند و از دست یافتن به آرزوهايشان محروم شوند، بخاطر دخترانی که ناچار به ترك خانه می شوند و در خیابانها آواره شده و به تن فروشی روی می آورند، بخاطر هزاران دختری که در زندانهای مخوف جمهوری اسلامی مورد شکنجه و اذیت و آزار قرار گرفته اند، بخاطر جوانانی که هنگام مهمانی مورد تعرض اوباشان اسلامی قرار می گیرند و بخاطر نجات انسانیت باید هرچه سریعتر از شر حکومت اسلامی خلاص شد و دنیایی بهتر را بنیان گذاشت.\*

# زنده باد سوسیالیسم!

## چرا مردم درکمک رسانی زلزله زدگان به جمهوری اسلامی اعتماد ندارند؟

### مهراب دشتی

در زلزله ی ۲۱ مرداد که به زندگی مردم در چند شهر آذربایجان شرقی لطافات فراوانی وارد شد، دیگر به خوبی معلوم شده است که مردم اعتمادی به دولت ندارند. یک نکته ی ریز ولی مهم در این مساله وجود دارد و آن، این است که وقتی گفته می شود دولت، منظور فقط کابینه ی احمدی نژاد نیست، بلکه منظور، کلیت نظام است. این طور نیست که مثلاً مردم به بهیستی اعتماد داشته باشند ولی به هلال احمر اعتماد نداشته باشند و یا در مساله ی کمک رسانی به مردم زلزله زده، مثلاً به کمیته ی امداد اعتماد کنند و یا حتا به فلان نهاد جمهوری اسلامی که کمتر در مظان اتهام است اطمینان کنند. بی اعتمادی به نظام، کلی است. چرا که از سر تا پای رژیم فاسد است و به هیچ یک از اعضای این جسد متعفن نمی توان امید بست. این رژیم مصداق بارز "سر و ته یک کرباس" است و باید آن را در یک کرباس (کفن) پیچید و به گورستان تاریخ سپرد. این طور نیست که این بی اعتمادی یک شبه ایجاد شده باشد و یا در اثر گری های جناح رقیب و یا بر اثر روشنگری های فلان حزب انقلابی و یا در یکی دو سال اخیر بوجود آمده باشد. عدم اعتماد مردم به حکومت، از همان روزهای نخست سرنگونی رژیم شاه و به علت آشکار شدن موضع خمینی و دار و دسته اش در مورد آزادی بیان و آزادی پوشش و امثال آن ایجاد شد و رفته رفته در اثر عمق جنایت هایش به صورت یک اعتقاد درآمد. امروز دیگر سر تا پای این رژیم گنبدیده به فساد آلوده است و این را همه ی مردم می دانند. امروز دیگر اثری از لایه های متوم اجتماعی که در اوایل قدرت گیری جمهوری اسلامی نسبت به این رژیم رگه

های نازکی از اعتماد داشتند، وجود ندارد و پاسخ این سوال برای همه روشن است که چرا مردم می خواهند با دست های خودشان به زلزله زدگان کمک کنند؟ مردم با چشم خودشان دیده اند که در زلزله های رودبار و بم نه تنها اعتبارات تخصیص یافته برای ترمیم خرابی ها توسط مسئولین و متولیان امور، حیف و میل گردید بلکه کمک های بین المللی نیز به دست مردم نرسید. مردم می بینند و می شنوند که هنوز پس از سال ها، استانداران و مسئولین اقتصادی صحبت از بازسازی! رودبار و بم می کنند. مردم به یاد دارند که در جریان زلزله ی بم، چادرها و پتوها و بخاری های الوار و آذوقه های اهدایی مردم و سازمان های بشردوستانه داخلی و خارجی، در بازارهای میدان گمرک و مولوی تهران و شهرهای بزرگ به فروش رسید. مردم به یاد دارند که در بعضی از گونی های برنج که در آن سال ها خریداری می کردند، مقداری پول و یا حتی النگو و هدایای دیگر پیدا می شده که نشان می داد این گونی ها در حقیقت کمک های مردمی به زلزله زدگان بوده که توسط ماموران جمهوری اسلامی دزدیده و فروخته شده است. مردم از زبان مسئولین می شنوند که در زلزله ی اخیر آذربایجان یک وانت پراز لوازم اهدایی که در حال فروش بوده، کشف و ضبط شده است. در همین چند روز پیش (اول شهریور ماه) در گزارش روزنامه جمهوری اسلامی آمده بود که رئیس جمعیت هلال احمر در خصوص سوء استفاده هایی که در مورد کمک های مردمی در هلال احمر صورت گرفته است و در بازار سیاه شهرها دپو و یا فروخته می شود گفت: "در مواقع بحران همیشه توسط عده ای سودجو چنین اتفاقاتی رخ می دهد و اما در این منطقه تنها در

روزهای اول این اتفاق افتاد که بعد با هلی برد کردن کمک ها این مشکل برطرف شد!" در یک برنامه تلویزیونی درباره ورزش صحبت که علی دایی هم در آن حضور داشت، موضوع زلزله و کمک های ورزشکاران به زلزله زدگان پیش آمد و علی دایی به صراحت گفت که دوست دارد کمک های جمع آوری شده را خودش در مناطق زلزله زده بین مردم توزیع کند چرا که اطمینانش بیشتر است (نقل به مضمون) و مهم تر از این، در مصاحبه هایی که بعضی از خبرنگاری ها از مردم حادثه دیده پخش کرده اند و تلفن هایی که مردم به کانال ها و تلویزیون های غیرحکومتی و رادیو های آزاد می زنند، با صریح ترین لهجه در مورد نرسیدن کمک ها از سوی مامورین دولتی صحبت می کنند. همه اینها معیار بسیار خوبی است برای اندازه گیری مشارکت و همبستگی مردمی و از طرف دیگر ملاک خوبی است برای سنجش میزان بی اعتمادی مردم به حاکمیت. مردم می بینند و می شنوند که رژیم از محل دسترنج کارگران و زحمتکشان کمک های هنگفت به گروه های تروریستی و دستجات عقب افتاده اسلامی می کند، هزینه های سرسام آور ساختن مساجد و امازاده و مراکز ترویج خرافات در کشورهای مختلف را می پردازد. و یا رشوه های سنگین می دهد تا دولتمردان مرتجع و فاسد بعضی کشورها در مجامع بین المللی به نفع رژیم لابی کنند و رای بدهند، تا بتواند اسلام سیاسی را در منطقه و جهان بگستراند. تا بتواند چندصباحی بر عمر ننگین خود بیفزاید ولی خانه های مردم بساری از شهرها و روستاهای ایران از خشت و چوب و گل است که با یک تکان سقفش بر سر ساکنینش آوار می شود و بعضی از شهرهایش بیمارستان

ندارد چنان که شهر ورزقانش یک بیمارستان ندارد. مردم می بینند که سالانه ارقام نجومی صرف سرکوب زنان و دختران می شود تا پروژه های حجاب و عفاف و امنیت اخلاقی و اجتماعی اجرا شود و سایه ی سیاه جمهوری اسلامی بر سر مردم سنگینی کند. مردم می بینند که ثروت شان توسط مدیران فاسد و کارگزاران دزد دولت اختلاس می شود و میلیاردها دلار توسط آقا زاده ها و همکاران آیت اله ها و سرداران سپاه از کشور خارج و در بانک های دنیا ذخیره سازی می شود. مردم می بینند که با داشتن این همه ثروت و نعمت، سفره هایشان هر روز خالی و خالی ترمی شود. مردم می بینند که در این وانفاسای بیکاری و گرانی کمرشکن، رژیم برای اهداف سیاسی اش میلیاردها دلار خرج اجلاس سران به اصطلاح جنبش غیرمتمهدها می کند. مردم می بینند که اعتراضات اجتماعی با دستگیری و سرکوب و شکنجه و زندان و تجاوز و اعدام مواجه می شود و از سوی دیگر باندهای بزرگ دزدی و فساد و اعتیاد و آدم کشی که ریشه در حاکمیت دارند، نه تنها آزادند بلکه روز به روز گسترده تر هم می شوند. مردم، هزار دروغ و دزدی و دغل و شانتاژ و ستم و ضرب و شتم و فقر و فلاکت و تجاوز و تقلب و قتل و غارت و اعدام را هر روزه از این جانیان می بینند و حق دارند که به رژیم و کارگزاران رنگارنگش اعتماد نکنند. چرا رژیم نمی خواهد مردم درکمک رسانی به زلزله زدگان آذربایجان، نقشی حضوری و موثر داشته باشند؟ ساعت ها پس از وقوع زلزله در ورزقان و اهر و هریس و تبریز، رادیو تلویزیون دولتی جمهوری اسلامی خبر را بطور مختصر پخش و سعی کردند عمق فاجعه را

پنهان کنند. عصرفرادی آن روز نیز اعلام کردند که تعداد انگشت شماری کشته و زخمی شده اند و عملیات نجات و اسکان به اتمام رسیده و جای هیچ نگرانی نیست! همچنین اعلام کردند که نیازی به کمک های بین المللی نداریم و از روزهای بعد اقدامات زیر را انجام دادند:

۱. سپاه و بسیج را در منطقه مستقر کرده و هرگونه عبور و مرور و ورود به تبریز و شهرهای زلزله زده را تحت کنترل گرفته و به نوعی ممنوع کردند. در حقیقت با ایجاد گیت و راه بندهای تصنعی، مانع حضور نیروهای مردمی که از شهرهای دور و نزدیک برای کمک آمده بودند، شدند.
۲. دستور دادند که کمک های مردمی در مبادی ورودی شهرهای زلزله زده توسط هلال احمر و نیروهای خودگماشته ی رژیم تحویل گرفته شود. رژیم علت این اقدام را حفظ امنیت مردم! عنوان کرد.
۳. رژیم سعی کرد گروه های مردم و جوانان داوطلب را که موفق شده بودند از گیت های ایجاد شده بگذرند و محموله های کمک های جمع آوری شده را به دست مردم برسانند، از منطقه بیرون کند. با افزایش حضور گروه های امداد مردمی، حدود ۴۰ نفر از جوانان کمک رسان را دستگیر کرد.
۴. حساب های بانکی را که توسط اشخاص حقیقی و حقوقی انسان دوست و یاریگر برای جمع آوری و جوه نقدی افتتاح و اعلام عمومی شده بود، مسدود کرد.
۵. علیرغم تبلیغاتی که در مورد ایجاد امنیت در منطقه در بوق و کرنا کرده، به طرز مشکوکی ۶ نفر از دخترچه های ۶ تا ۱۴ ساله مفقود شده اند که مسئولیت آن به عهده ی رژیم

## شش دختر بچه در مناطق زلزله زده، دزدیده شدند

طبق خبری که از مناطق زلزله زده به حزب کمونیست کارگری رسیده است، دیروز شنبه شش کودک دختر شش تا چهارده ساله دزدیده شده اند. خبر کودک دزدی در بین مردم پخش شده و مردم در حالیکه با مشکلات عدیده ای دست و پنجه نرم میکنند، نگرانی از وضع کودکان هم به آن اضافه شده است. در چنین شرایطی حکومت پلیس اسلامی مشغول دستگیری و شکنجه مددکاران است!

کودکان قربانیان آرام بسیاری از سوانح و از جمله زلزله هستند. در روستاهای آذربایجان از همان لحظات اول رسیدن خبر و عکس و گزارشات، همگان دیدند که تعداد زیادی از قربانیان زلزله در خانه های گلی و ناامن، کودکان بودند

که زیر آوار جان باخته بودند و تعداد زیادی کودک در بدترین شرایط در میان آه و ناله و درد و مشقت بازماندگان، شاهد ضجه و زاری بزرگترها بودند و تعدادی کاملاً بی سرپرست شده و وارد دوره سخت و غیر قابل توصیفی از زندگی خود شدند.

اگر ذره ای انسانیت در این حکومت بود، این کودکان مورد بیشترین توجه و مراقبت قرار می گرفتند و دولت بیشترین امکانات را به کمک مردم انساندوست و قابل اعتماد برای سرپرستی این کودکان قرار میداد. اما تحت حاکمیت جانوران حاکم، نه فقط هیچیک از مشکلات زلزله زدگان علیرغم گذشت ۱۵ روز حل نشده، بلکه حتی کودکان بی

سرپرست نیز بدون کوچکترین امکانات و مراقبت رها شده و هیچ مقام و ارگانی از حکومت به فکر آنها نیست. هزاران انسان شریف در سراسر کشور و جهان حاضر بودند و حاضرند با تمام وجود به کودکان زلزله زده کمک کنند و سرپرستی آنها را بعهده بگیرند، اما جمهوری اسلامی اوباشش را به منطقه فرستاده تا مانع کمک های مردمی شود و تلاش میکند هیچ گزارش واقعی از زندگی مشقت بار مردم کودکان این منطقه به بیرون درز نکند.

حزب کمونیست کارگری در مورد موقعیت خطرناک کودکان بی سرپرست در این مناطق هشدار داده و از همه مردم میخواهد به یاری این کودکان شتافته و مانع

افتادن کودکان عزیز و رنجیدگی بیشتری به دست باندهای خطرناک آدم فروشی و اذیت و آزار کودکان شوند. حکومت اسلامی عامل این شرایط ناامن است. باید به این حکومت فشار آورد که فوراً برای پیدا کردن کودکان ربوده شده اقدام کند. ما از زلزله زدگان شریف میخواهیم که علیرغم شرایط دشواری که دارند از هیچ کمکی برای مراقبت از کودکان بی سرپرست دریغ نکنند. از مردم شریف و انساندوست در سراسر کشور و از همه گروههای امداد، از جوانان و دانشجویان، از نهادهای مدافع حقوق کودک، تشکل های کارگری و سینماگران و ورزشکاران و همینطور از نهادهای بین المللی میخواهیم که جمهوری اسلامی را

تحت فشار قرار دهند که مانع گروههای مددسازانی مردمی نشود و امکانات هرچه بیشتری در اختیار آنها بگذارد که بتوانند کودکان را از این شرایط خطرناک نجات دهند. در سطح جهان سازمانهای متعدد مدافع حقوق کودک وجود دارند که آغوششان برای کمک به این کودکان باز است و حاضرند سرپرستی این کودکان را به عهده بگیرند.

مردم ایران و جهان باید بلند شوند و کودکان زلزله زده و با فشار به جمهوری اسلامی مردم مصیبت دیده آذربایجان را از این وضع نجات دهند.

حزب کمونیست کارگری ایران  
۵ شهریور ۱۳۹۱  
۲۶ اوت ۲۰۱۲

## چرا مردم درکمک رسانی زلزله زدگان به جمهوری اسلامی اعتماد ندارند؟

خارج باشند.

رژیم نمی خواهد مردم شهرهای دیگر از این موقعیت بوجود آمده برای تمرین توانایی ها و اثبات اقتدار خود استفاده کنند. رژیم، نمی خواهد همبستگی ملی و مردمی در قالب تشکل های خودجوش، شکل بگیرد. رژیم می خواهد با در دست گرفتن اوضاع در منطقه و با باز کردن دست ارادل و اوباش بسیجی و سپاهی به بهانه ی حفظ امنیت، زمینه های استقرار يك حکومت نظامی را يك بار دیگر محك بزند و به رخ مردم بکشد و به این وسیله مردم را مرعوب کند.

رژیم نمی خواهد خیمه شب بازی اجلاس سران جنبش عدم تعهد! تحت الشعاع مسئله مهمی

از صفحه ۱۴

است. (از همین جا معلوم می شود که رژیم فقط به فکر امنیت خودش است)

رژیم با شیوه های مختلف و اقدامات فاشیستی سعی کرد تا منطقه را نظامی کند. رژیم نمی خواهد مردم ایران با این مصیبت دیدگان همدردی کنند. چرا که ممکن است این همدردی ها، همدلی ها و همدستی هایی را بوجود بیاورد که منجر به لق شدن پایه های حکومت اختاپوسی سران جنایتکار جمهوری اسلامی شود. رژیم نمی خواهد گروه های مردمی، شاهد بی تفاوتی مقامات دولتی و حیف و میل های کمک های رسیده از داخل و

ومحل های اطراف هتل های اقامتگاه هیات های خارجی. بطور خلاصه رژیم نمی خواهد به مردم میدان بدهد. چراکه به خوبی می داند که میدان دادن به مردم همانا و از میدان به در رفتن خودش، همان.

رژیم، از زلزله ای که در آذربایجان رخ داده وجه بسا که فردا در منطقه ای دیگر از کشور رخ دهد، نمی ترسد بلکه از زلزله ای می ترسد که سال هاست در زیر پوسته و لایه های اجتماعی خانه

نظیر صدمات هزاران نفر بر اثر زلزله، قرارگیرد. برای همین است که در روزهای برگزاری "شوی" مسخره ای اجلاس سران کشورهای عضو گروه غیرمتعهدها، رژیم سعی دارد مردم در تهران حضور نداشته باشند و برای عملی کردن این هدف پلیس خود از همه ی حیلها استفاده می کند. از تعطیل کردن ۵ روزه ی ادارات گرفته تا دادن ۳۰ لیتر بنزین علاوه بر سهمیه تا دادن پول به خانواده هایی که خانه های شان مشرف بر محل برگزاری اجلاس است تا تهیه و تدارک اقامتگاه هایی برای مسافران اجباری تا بسیج کردن ۱۱۰ هزار نیروی پلیس تا تعطیل کردن اجباری مغازه های مسیر رفت و آمد

کرده و عنقریب است که با يك تکان اساسی پایه های کاخ های ستم بنیاد او را به لرزه درآورد. رژیم از زلزله ی اجتماعی، از زلزله ی انقلاب، از زلزله ی سرنگونی خودش می ترسد برای احساس این خطر بزرگ است که از حضور مردم درکمک رسانی ها هراس دارد و مانع ایجاد می کند. غافل از آن که مردم ایران پاشنه ی آشیل این نظام پوسیده و به لبه ی پرتگاه رسیده را پیدا کرده اند و در صدند تا با اتحاد عمل خود و به طرق مقتضی انقلابی این جرثومه ی فساد و تباهی را از میان بردارند.\*

www.wpiran.org

سایت حزب:

www.rowzane.com

سایت روزنه:

www.newchannel.tv

سایت کانال جدید:

www.anternasional.com

نشریه انترناسیونال:

# زنده باد سوسیالیسم!

## تلاش برای نجات جان یک انسان، لیلا ابراهیم عیسی زن محکوم به سنگسار در سودان



نجاتش از حکم سنگسار تلاش کردند.

این کمیته که بنام یاران لیلا نامیده شد در آغاز کار یک پتیشن و یا طومار امضا الکترونیکی به زبان سوئدی را تهیه کرد و روی سایت های اینترنتی قرار داد. در طول مدت کمی افراد و تشکلهای زیادی این پتیشن را امضا کرده اند.

اقدامات بعدی این کمیته متوجه جلب هر چه بیشتر افکار عمومی و حمایت های مردمی برای لغو فوری حکم سنگسار لیلا بوده است. برای جلب این حمایتها تمساح های متعددی با مطبوعات و رادیوها و تلویزیونهای ایرانی و غیره انجام گرفته است.

یکی از اقدامات این کمیته برگزاری یک میتینگ اعتراضی در برابر سفارت سودان در استکهلم بود. روز ۲۹ آگوستی ۲۰۱۲ شماری از انسانهای آزادیخواه و منجمله نمایندگان از سازمانهای مدافع حقوق کودک، زنان و پناهندگان و همچنین دوستانی از "جبهه سودانی برای تغییر" در مقابل سفارت سودان گرد آمدند تا نفرت و بیزاری خود از سنگسار را

لیلا ابراهیم عیسی یک زن ۲۳ ساله سودانی است که در ۱۰ جولای ۲۰۱۲ بنا به حکم دادگاهی در شهر خارطوم سودان محکوم به سنگسار شده است.

لیلا دارای یک فرزند خردسال است که با خود وی در زندان بسر میبرد. تا زمانیکه لیلا به فرزند خود شیر میدهد اجرای این حکم به بتعویق می افتد. جرم لیلا رابطه خارج از ازدواج اعلام شده است. لیلا در زمان محاکمه اش از داشتن وکیل مدافع محروم بوده است.

سودان یکی از نادر کشورهای است که مجازات وحشیانه سنگسار در قوانین جزایی آن موجود است. رئیس جمهور سودان عمر البشیر که طبق حکم دادگاه بین المللی هاگ به نقض حقوق بشر محکوم شده است یکی از طرفداران مجازات سنگسار در منطقه میباشد.

بعد از علنی شدن این حکم تعدادی از تشکلهای و افراد مدافع حقوق انسان که علیه این قوانین عهد بربریت هستند در کشور سوئد به گرد هم جمع شدند و تشکلی را بوجود آوردند تا ضمن مبارزه علیه سنگسار برای آزادی فوری لیلا و

به نمایش بگذارند و خواهان آزادی لیلا شوند. اعتراض کنندگان باندرول و پلاکاردهایی در ضدیت با احکام سنگسار و همچنین با خواست جدایی دین از دولت و لغو حکم سنگسار لیلا را در دست داشتند. در جریان این میتینگ یک نامه اعتراضی نیز تحویل سفارت سودان در سوئد شد.

در پتیشینی که در اعتراض به حکم سنگسار لیلا توسط تعداد زیادی امضا شده است، از دولت سوئد خواسته شده است که از تمام امکانات خود استفاده کند و قویا به دولت سودان بدلیل صدور پی در پی احکام سنگسار اعتراض کند. کمپین یاران لیلا قرا است که در اقدامات بعدی خود این پتیشن را به مقامات وزرات امور خارجه سوئد تحویل دهد.

خاطر نشان کنیم که چندی پیش یک زن دیگر محکوم به سنگسار در سودان بنام انتصار شریف عبداللهدر پی تلاشهای بین المللی و اعتراضات گسترده جهانی حکم سنگسارش لغو گردید و از زندان آزاد شد. بطور قطع ما می توانیم با مبارزه خود موجب آزادی لیلا نیز شویم.

نهاد کودکان مقدمند

کمیته دوستان لیلا

کمیته دفاع از حقوق زنان در ایران

علیه تبعیض - سازمان دفاع از

حقوق زنان در ایران

انجمن نه فاحشه نه تسلیم

جبهه سودانی برای تغییر

فدراسیون سراسری پناهندگان

ایرانی

۲۹ آگوست ۲۰۱۲

## اطلاعیه تشکیل کمیته آذربایجان حزب کمونیست کارگری ایران

جدال طبقاتی در آذربایجان ایران بخاطر وجود ستم ملی و تحریکات ناسیونالیسم ترک از سوئی و سابقه دیرینه و فعال جنبش کارگری و کمونیستی در این منطقه از سوی دیگر از شرایط سیاسی ویژه ای برخوردار است. این شرایط تمرکز و اختصاص انرژی بیشتری را از جانب حزب طلب میکند. در پاسخگویی به این ضرورت کمیته آذربایجان حزب تشکیل میشود.

وظیفه این کمیته نمایندگی کردن حزب در آذربایجان و تمام جدال های سیاسی و ایدئولوژیک در این منطقه است. حضور فعال در جدال های سیاسی علیه جمهوری اسلامی، علیه مذهب، ناسیونالیسم و کلیه راه حلها و سیاست های دست راستی و انحرافی در مبارزه مردم برای سرنگونی جمهوری اسلامی و بطور مشخص افشای مستمر ناسیونالیسم ترک، بسیج فعالین سکولار، چپ و

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۹ آگوست ۲۰۱۲

۸ شهریور ۱۳۹۱



انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: بهروز مهرآبادی

مسئول فنی: نازیلا صادقی

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

**مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!**